



دوشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۶۵ برابر ۲ مارس ۱۹۸۷
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۳۸

شیرزن فدایی، شیدا بهزادی تهرانی، زیر شکنجه کشته شد

شد و از همان زمان بعنوان هوادار سازمان همه توان و شور انقلابی خود را در چهارچوب فعالیت موثر سازمانی متمرکز کرد. در روزهای طوفانی انقلاب بعنوان شرکت کننده فعال و سازمانده جنبش انقلابی توده ای شناخته شد. بعد از انقلاب به عضویت سازمان درآمد.

رفیق شیدا در جمع همزمان پقیه در صفحه ۲

نشریه "کار" در معرفی این رفیق شیدا نوشته است:
"فدائی خلق رفیق شیدا بهزادی تهرانی کادر برجسته سازمان، عضو کمیته شهر و مسئول زنان در کمیته شهر اصفهان بود، ۲۸ سال پیش در اصفهان بدنیا آمد و بعد از تحصیلات متوسطه به دانشکده پزشکی دانشگاه اصفهان راه یافت. او بزودی به یکی از فعالین جنبش دانشجویی تبدیل

خبر شهادت فدائی خلق، رفیق شیدا بهزادی تهرانی از سوی نشریه کار، ارکان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) رسماً اعلام گردیده است. شیرزن فدائی، رفیق شیدا بهزادی که همراه مسرو فرزند خرد سالت در تابستان اسال دستگیر شده بود، یک ماه پس از دستگیری در زیر شکنجه های سبانه در خیسان به قتل رسید.

زن و انقلاب اجتماعی

زن در جوامع تحت سلطه طبقات ارتجاعی از ستم مضاعفی رنج می برد. اما زنان ایران در شرایط کنونی، در چهارچوب همین ستم مضاعف، با تعرضی مضاعف نیز روبرو هستند، تعرضی از مقابل و تعرضی از پهلو. از سویی تعرض رژیم فقهی بر همه دستاوردهایی که جنبش دمکراتیک زنان ایران در مبارزه علیه رژیم شاه بدست آورده بود، و از سویی دیگر تعرض ایدئولوژیک بورژوازی که سعی دارد وانمود کند که می تواند در همین نظام با حذف ولی فقیه آزادی زن را مقصور سازد.

مادر شماره گذشته در مقاله "اتحاد عمل، نیاز مبرم جنبش دمکراتیک زنان ایران" بر مبرمیت مقابله با تعرض رژیم ولایت فقیه علیه حقوق زنان، به مثابه وظیفه ای عاجل، که انجام آن اتحاد عمل زنان انقلابی، دمکرات و ترقیخواه کشور را می طلبد، تاکید کردیم. پراکنده گی های موجود در سطح جنبش و به تبع آن در جنبش دمکراتیک زنان ایران، نقیصه ای بزرگ است که انجام وظایف عاجل را بسیار دشوار ساخته است.

در این شماره به جنبه دیگری از همین مساله می پردازیم: چگونه و چه زمانی باید با تعرض ایدئولوژیک بورژوازی مقابله کرد؟ خطوط ربط میان وظایف عاجل و وظایف مبارزه در راه آماج نهائی چیست؟ حقیقت اینست که در این زمینه همچنان اغتشاش هائی در سطح جنبش وجود دارد. مقاله ای که در صفحه ۶ می خوانید به طرح برخی ملاحظات تئوریک در این عرصه می پردازد.

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

زنان ایران! در راه صلح، دمکراسی و برابری متحد شوید!

بنحوی سابقه ای افزایش داده است، جنگ فساد و فحشا را گسترش داده است. مردها دسته دسته در جبهه ها کشته می شوند و زن ها دسته دسته بیه می شوند. آخوندها از این وضعیت دردناک زنان بیشترین استفاده را برای پیشبرد افکار و احکام ارتجاعی خود بعمل می آورند. آنها مرتب شیعه و چند مسمی را تبلیغ می کنند و برای چند زنه کردن مردان و رواج عقده های موقت که چیزی جز فحشای رسمی نیست امکانات فراهم می آورند. جنگ پدرها را می کشد و قانون ولایت فقیه کودکان را از پی مادر نیز محروم می کند. صدها هزار کودک پدران خود را از دست داده اند و اکنون رقم کودکان یتیمی که دست قانون خمینی آنها را از آغوش مادر می رباید سربه میلیون می زند.

زنان هموطن! بپا خیزید، پقیه در صفحه ۲

اقدام خائنه تازه ای علیه منافع همه مردم انجام داد. هدف اصلی زد و بند های سری چماران با کاخ سفید ادامه جنگ ویرانگر است. شعله ور نگاهداشتن آتش جنگ یعنی کشتار ده ها هزار تن دیگر، یعنی ویرانی باز هم بیشتر کشور و آوارگی ده ها هزار مادر و کودک.

ادامه و تشدید جنگ، بی خانمانی، بیکاری، فقر و گرسنگی و گراشی را به بلای عمومی خانواده ها تبدیل کرده است. مصائب جنگ دامن معصوم کودکان شیرخواره را با گرسنگی دائمی روبرو ساخته است. ناداری و بی سرپناهی و استیصال، شرف و عزت بسیاری از زنان و دختران را در معرض بیغما قرار داده است. رژیم خمینی بر زمینه استمرار جنگ خانمانسوز ایران و عراق بنیان خانواده را در سراسیمه اضطراب و تلاشی سوق داده است. جنگ میزان طلاق را

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هشتم مارس، روز جهانی زن را با آرزوی پیروزی برای مردم زحمتکش کشورمان، به تمامی زنان و مادران ایران صمیمانه شادباش می گوید.

زنان جهان اسال عید خود را با عزم استوارتری در پیکار به خاطر صلح، ترقی و برابری جشن می گیرند. در سالی که گذشت مبارزات عادلانه زنان ایران علیه رژیم جنگ افروز و زن ستیز خمینی در مجامع بین المللی با ژتاپ بیشتری یافت. سازمان های زنان دمکرات در سراسر دنیا و در راس همه "فدراسیون بین المللی زنان دمکرات" از این مبارزات پشتیبانی پر شور و رزم جویانه به عمل آوردند.

زنان هموطن! اسال رژیم خمینی با بند و بست ضد ملی خود با کاخ سفید،

در این شماره

● نامه شعبه زنان سازمان به مجامع بین المللی

پشتیبانی از مبارزات زنان ایران را گسترش دهید!

در صفحه ۲

● جمهوری اسلامی، جهنم واقعی زنان

در صفحه آخر

● زن در مذاهب

در صفحه ۱۱

بنابراین حزب کارگری و کمونیستی کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک ایران و نیروی در اردوگاه های لبنان در صفحه آخر

نیروی ۷۵۰۰ نفری سوریه در بیروت مستقر شد

* ۲۳ حزب الهی در زد و خورد با ارتش سوریه به قتل رسیدند

سوری آتش گشود. حزب الله لبنان ادعا کرد ارتش سوریه افراد حزب الهی را دستگیر و اعدام کرده است. یک سخنگوی حزب الله گفت این گروه برای اقدام علیه سوریه منتظر دستور خمینی است. میرحسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی بدون آنکه مستقیماً نامی از سوریه به میان آورد، "هرگونه حمله به حزب الله لبنان" را محکوم کرد. ولایتی وزیر خارجه به دمشق رفت و در باره درگیری حزب الله و ارتش سوریه با مقامات این کشور گفتگوهایی انجام داد.

هنگام ورود نیروهای سوریه به مقر "حزب الله" در غرب بیروت زد و خورد های شدیدی میان نفقات ارتش سوریه و حزب الله ها رخ داد که به هلاکت ۲۳ حزب الهی انجامید. امل و نیروهای ترقیخواه لبنانی طبق توافق قبلی بدون خشونت مواضع خود در غرب بیروت را ترک کردند و این پایگاهها را در اختیار ارتش سوریه گذاشتند.

درگیری سربازان سوری و حزب الله ها زمانی آغاز شد که یک، حزب اللهی به سوی نیروهای

مفتحه گذشته نبردهای سختی که با محاصره اردوگاههای آوارکان فلسطینی در بیروت توسط شبه نظامیان امل آغاز شده و با درگیری خونین امل و نیروی ترقیخواه لبنانی ادامه یافته بود، پایان یافت و نیروی ۷۵۰۰ نفری ارتش سوریه هم ۷۵ پایگاه شبه نظامیان وابسته به گروه های مختلف را در غرب بیروت به تصرف خود در آورد و در آنها مستقر شد. اما مناطق جنوب بیروت که بیشتر تحت نفوذ "حزب الله" است، هنوز به کنترل ارتش سوریه در نیامده است.

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

زنان ایران! در راه صلح، دموکراسی و برابری متحد شوید!

بقیه از صفحه اول

متحد شوید و علیه جنگ و جنایات هولناک رژیم خمینی با تمام توان بمرزمید.

مادران!

آخوندهای حاکم بر کشور از میان شط خون فرزندان انقلابی و مبارز شما به سوی اهداف پلید خود راه می‌سپارند. سرکوب خونین احزاب و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه، اعدام هزاران تن از بهترین فرزندان شما، زندان و شکنجه هزاران رزمنده راه صلح و استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی بخشی از کارنامه خونین خمینی است. تصادفی نبود که در آستانه برملا شدن معاملات پنهانی خمینی - ریگان، موج وسیع دستگیری فدائیان خلق و نیز تشدید پیگرد علیه دیگر فرزندان مبارز خلق براه انداخته شد. زندانهای خمینی امروز بیش از هر زمانی شاهد پیکار حماسی فرزندان دلاور شما و از جمله زنان پیشرو و ترقیخواه در بند ایران است. اعتصاب غذای قهرمانانه زنان زندانی همراه هم رنجبران مرد خود جلوه رزم شما در زندانی به گستردگی ایران است. ساطور خون چکان خمینی همچنان بر فراز سر فرزندان دلاور در بند شما است. برای نجات جان فرزندان خود صفوفتان را متحدتر و یکپارچه‌تر سازید. به دفاع قاطعانه از زندانیان سیاسی برخیزید. از مبارزات رزم جویانه خانواده‌های زندانیان سیاسی پشتیبانی کنید! زنان شرافتمند ایران!

رژیم خمینی حقوق و آزادیهای دموکراتیک شما را بیش از پیش لگدمال می‌کند. تحمیل حجاب اکنون آشکارا عربه‌ای در دست ارتجاع برای دور کردن زنان از فعالیت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی است. زنان در

معرض اخراجهای گسترده از محیطهای کار و تحصیل قرار دارند، اولین قربانیان اخراج‌های جمعی از کارخانجات، ادارات و موسسات از میان زنان کارگر و زحمتکش هستند. تبعیضات شغلی و تحصیلی در حق زنان ابعاد بی‌سابقه‌ای پیدا کرده است. حقوق زن در خانواده آشکارا و با خشونت تمام از سوی رژیم فقه‌پایمال می‌شود. از نظر آنان زن در خانواده کنیز مطبوعی، وسیله عیش و عشرت مرد و ابزار تولید مثل است. قوانین سیاه خانواده حق حضانت فرزند را از مادران سلب کرده است. قصاص و تعزیرات هر دم از زنان قربانیان بیشتری می‌گیرد. علیه این تبعیضات و مقالم مبارزه کنید! به تحمیلات ارتجاعی رژیم تن ندهید! متحد شوید و برای کدب حقوق و آزادیهای دموکراتیک خود، در راه سرنگونی رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی قاطعانه بمرزمید!

زنان دموکرات و ترقیخواه کشور! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، پیکار خستگی‌ناپذیرتان در امر روشنگری و سازمان دادن مبارزات زنان کشور و انعکاس رنج و رزم آنان در سطح بین‌المللی را ارج می‌گذارد. جنبش خودیو و پراکنده توده زنان کشور را سازمان دهید و در راه یکپارچه ساختن جنبش دموکراتیک زنان ایران بیش از هر زمان اهتمام بورزید. بخاطر داشته باشید که بدون شرکت توده زنان کشور، نمی‌توان مبارزه در راه سرنگونی رژیم خمینی را به جنبش پر دامنه و ثمرنمون توده‌ای تبدیل کرد.

زنان و مردان رزمنده فدایی! شما در زیر شمشیر آخته خمینی

پیام آوران صلح، دموکراسی و برابری هستید. پیکار عادلانه زنان را علیه جنگ، در دفاع از زندانیان سیاسی، علیه قوانین ظالمانه خانواده، علیه تبعیضات شغلی و تحصیلی و علیه تحمیل حجاب سازمان دهید. در راه تحکیم پیوند خود با مبارزه توده زنان کارگر و زحمتکش مجدانه تلاش کنید. از همه امکانات و اشکال فعالیت که به گسترش روابط توده‌ای شما یاری رساند با تمام نیرو بهره گیرید، از یاد نبرید که تنها با تلفیق شیارانه و ماهرانه مبارزه مخفی با فعالیت علنی است که آگاهی سیاسی و اجتماعی در توده زنان راه می‌گشاید و جنبش دموکراتیک زنان ایران رشد و ارتقایی یابد.

تأمین اتحاد عمل با سایر زنان دموکرات و ترقیخواه کشور در صدر برنامه‌های شماست. کانون‌های اتحاد رزمجویانه علیه رژیم خمینی را در میان خانواده‌های جنگ زده و خانواده‌های زندانیان سیاسی و اعدام‌شدگان ایجاد کنید. با گسترش فعالیت‌های خود و با فشرده‌تر ساختن صفوف جنبش دموکراتیک زنان ایران به هر چه رساتر ساختن بانگ رزمجویانه زنان ایران کمک کنید. این است پیام ما در فرخنده روز جهانی زن.

زنده باد ۸ مارس، روز جهانی زن!
پیروز باد جنبش دموکراتیک زنان ایران!
برقرار باد اتحاد عمل و همکاری گسترده زنان انقلابی و دموکرات ایران!
درد آتشین بر زنان رزمنده در بند!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۰ بهمن ۱۳۶۵

شیر زن فدایی

شید ابهرادی تهرانی

زیر شکنجه کشته شد

بقیه از صفحه اول

خوبش با شکنجایی و تحمل وصف‌ناپذیر خود شناخته می‌شد وزیر چهره مهربان و آرامش، روحی پر شور و سرشتی پیکارجو داشت. شیدا شوق تلاش در قامت متانت و روح خروش در پیکر وقار بود و در جریان تحولات سازمان همواره با اندیشه‌ای خلل‌ناک در موضع پیشرو قرار می‌گرفت.

از بهمن ماه ۶۱ او نیز مثل سایر همزمانانش تحت پیگرد قرار گرفت. عوامل امنیتی رژیم در اصفهان او را می‌شناختند و در صد دستگیریش بودند. در چنین شرایطی او ضمن انجام تعهدات مادری خوبش، به شرکت در هسته‌های مخفی پرداخت و یابایی همسرش برای ایجاد امکانات جدید سازمانی کوشید.

رفیق شیدا در مرداد ماه امسال همراه همسر و فرزندش در تهران دستگیر شد و تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار گرفت. اکنون او تنها به یک ضرورت می‌اندیشد: "مقاومت".

نن شیدا از زیر ضربه‌های وحشی شلاق شیارشدا سخن گفت و مژدوران را به انتقام واداشت. او پس از یکماه مقاومت در برابر جلادان، سرانجام جان خوبش را در راه خلق فدا کرد.

حماسه مقاومت جانانه شیدا محمصول ایمان عمیق او به آرمان طبقه کارگر، عشق شیدایش به سوسیالیسم و آگاهی‌اش به اصول مبارزه سرخساخته با دشمن بود. شرایط مبارزه زنان انقلابی در جمهوری اسلامی که علاوه بر فشار سرکوب عمومی تحت فشار مضاعفی علیه حق موجودیت زنان قرار دارند، دشوارتر است. زندگی و مبارزه قهرمانانه شیدا بعنوان یک کمونیست پر شور، مادری دلسوز و همسری فداکار، سرمشق بزرگی است برای همه زنان فدایی که در شرایط پیکرد و سرکوب در ایران پیکار می‌کنند. خاطره او در سینه‌های مردم جاودانه می‌شود و یادش الهام بخش مبارزه فدائیان علیه‌ستم و استثمار خواهد بود. رایت سرخی که با دست رفقای شهید ما افراشته شد، امروز در دست ماست. برای ادامه راه او به پیش!

هر صبح و شب به غارت توفان روند از

آخرین شقایق این باغ نیستند. ۵

فیلیپین: بیانیه همبستگی با مردم ایران

شورای صلح و همبستگی فیلیپین و سازمان دموکراتیک جوانان فیلیپین طی بیانیه‌ای با مبارزات مردم ایران در راه صلح و دموکراسی و پایان دادن به حاکمیت ارتجاع، اعلام همبستگی کردند. در بخشی از بیانیه مزبور آمده است: "جنگ (ایران و عراق) به تحریک امپریالیسم آمریکا بوجود آمد... و بزرگترین بهره‌بردار آن (بویژه در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی) امپریالیسم آمریکاست."

در این بیانیه پس از اشاره به سیاست‌های جنگ‌افروزان رژیم خودکامه و تئوکراتیک خمینی و سرکوب نیروهای صلح و آزادی در ایران توسط جلادان حاکم، بر ضرورت بکارگیری بیشترین کوشش‌ها در تحکیم و گسترش همبستگی با مردم ایران در مبارزه برای آماج‌های زیر تاکید شده است:

"۱- قطع جنگ ایران و عراق، در وهله اول از طریق قطع فروش سلاح به

دو طرف و آغاز مذاکرات صلح.
۲- آزادی کلیه زندانیان سیاسی و بازدید از همه زندانها و بازداشتگاههای ایران توسط یک هیات بین‌المللی بی‌طرف از کارشناسان پزشکی و حقوقی.

۳- سرنگونی تئوکراسی خودکامه و قرون وسطایی خمینی که موجب خونریزی‌ها و قربانی‌های بیشمار از مردم ایران شده است."

این بیانیه توسط "مواداران سازمان آزادیبخش فلسطین در فیلیپین نیز امضا شده است."

در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن از سوی شعبه زنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نامه‌های چندی در تشریح وضعیت فاجعه‌باری که به زنان ایران تحمیل شده است (همراه با اسنادی چند و از جمله

ترجمه‌ای از لایحه قصاص) برای مجامع جهانی منجمله سازمان ملل متحد و فدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان ارسال گردیده است. متن این نامه را در زیر می‌خوانید.

پشتیبانی از مبارزات زنان ایران علیه تحمیلات قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی را گسترش دهید!

در آستانه ۸ مارس روز تجلی همبستگی و اتحاد جهانی زنان در مبارزه در راه صلح، برابری حقوق، استقلال و ترقی، می‌خواهیم توجه بیشتر شما را به آنچه که بر زنان ایران روا داشته می‌شود، معطوف نسائیم.

رژیم جمهوری اسلامی در ایران که در عمان بدو استقرار در سال ۱۹۷۹ زنان ایران را به مثابه اولین قربانیان عملکرد ارتجاعی و سرکوبگرانه خود، در شرایط فشار بی‌سابقه‌ای قرار داد، هر ساله مداماً تضيیقات و تحمیلات علیه زنان ایران را افزایش داده و تعرض لکام‌گسیخته‌ای علیه حقوق زنان را پیش برده است. تا بدانجا که اکنون بدیهی‌ترین و اولیه‌ترین حقوق زن به مثابه یک انسان، از سوی این رژیم صریحاً انکار می‌شود. در همین راستا در چارچوب ایدئولوژی ارتجاعی جمهوری اسلامی قوانینی تصویب گردیده است که طی آن رسماً زنان عضو درجه دوم جامعه محسوب می‌شوند. از جمله این قوانین، قانون قصاص است که فقط با دوران بربریت همخوانی دارد. تصویب این قانون نفی آشکار همه موازین بین‌المللی در زمینه حقوق زنان است. تگاهی به بخش‌هایی از این قانون - که به ضمیمه ارسال می‌شود - کافیت تابع چرخین موهوماتی که راهنمای عمل جمهوری اسلامی در مورد زنان است، آشکار شود.

طبق قوانین مصوبه در جمهوری اسلامی حق حضور زنان در بسیاری از عرصه‌های حیات اجتماعی نفی گردیده است و در عرصه‌های دیگر از جمله در عرصه قضایی برای آنان حتی تنها در حد یک شهروند درجه دوم قائل شده‌اند.

در جمهوری اسلامی قوانینی به تصویب درآمده که در آن مجازات‌های وحشیانه‌ای را برای زنان در نظر گرفته‌اند. فی‌المثل طبق این قوانین، زنانی که موی سرشان دیده می‌شود و یا رنگ و فرم لباسشان با معیارهای مقرر شده ناممخوان بنظر برسد، با ۷۴ ضربه شلاق مجازات می‌شوند. این قوانین وحشیانه هم اکنون ناظر بر کارکرد دستگاه قضایی و انتظامی در ایران است و هر روزه گروه کثیری از زنان کشور در مقرهای ارگان‌های انتظامی و یا میادین عمومی، بدینگونه مجازات می‌شوند. نمونه دیگری از سفاکی‌های رژیم جمهوری اسلامی، "سنگسار" کردن است. این مجازات، ویژه زنان است و مطابق آن در کیفر تخطی از برخی از ضوابط اسلامی، زنان را زنده زنده تا گردن در چاله‌ای که حفر می‌کنند، دفن کرده و سپس با سنگ بر سر و صورت آنها می‌زنند تا به قتل برسند. روزنامه‌های دولتی رژیم موارد عدیده‌ای از خبر اجرای این مجازات را منتشر کرده‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی برای حذف زنان از بسیاری از عرصه‌های حیات اجتماعی، تعرض خود را با خشونت فزاینده‌ای دنبال می‌کند. آنها زنان را از محیط‌های عمومی کار، از ادارات و کارخانه‌ها اخراج می‌سازند و یا مجبور به استعفا می‌کنند. طبق آمار دولتی، نسبت بازنشستگان زن به کل تعداد بازنشستگان که در سال ۱۳۷۰، ۱۹۸۰ درصد بود، در سال ۱۳۸۴ به ۲۰/۱ درصد افزایش یافت. این آمار خود گویای فشاری است که به زنان برای ترک کار اعمال می‌شود. همزمان با

این فشارها، برای استخدام زنان محدودیت‌های مردم افزونتری اعمال می‌گردد. از آنجا که در جمهوری اسلامی قانون کار، حتی بر روی کاغذ هم وجود ندارد، زنان شاغل برای مقابله با این تضيیقات فاقد هرگونه امکان قانونی هستند. زنان بیوه و بیگانه و کودکان بی‌سرپرست از هرگونه تأمین اجتماعی بی‌بهره‌اند، امری که با قانون اساسی همین رژیم نیز مغایرت دارد. در چنین شرایطی دیده دهشتناک فروش کودکان خانواده‌های بی‌چیز در ایران شکل گرفته است که در روزنامه‌های دولتی نیز به آن اعتراف شده است.

جمهوری اسلامی با احیاء رسمی منحط‌ان قبیل چند هسری، فبات خانواده‌های ایرانی را به شدت دچار مخاطره کرده است. جمهوری اسلامی رسماً هر مرد را مجاز به داشتن ۴ همسر می‌داند. علاوه بر آن قوانینی برای داشتن همسر موقت به تعداد نامحدود وضع کرده و به اجرا درآورده است. طبق این قوانین مردها مختارند این همسران موقت را هر زمانی که خود بخواهند از خانه بیرون نمایند بی‌آنکه این قبیل همسران هیچ گونه حقی حتی بر فرزندانشان داشته باشند. طبق قوانین جمهوری اسلامی دختر بچه‌های ۹ ساله زن کامل فرض می‌شوند که آنها را می‌توان به هسری موقت و یا دائم مردان درآورد. وجود اینگونه قوانین، اختلالات غریبی در وضعیت خانواده‌ها پدید آورده است. طبق آمار ارائه شده از سوی مسئولین قضایی یک چهارم کل پرونده‌های دادگاههای مدنی خاص، مربوط به پرونده‌های طلاق می‌شود. این تصویبات از رنجی است که جمهوری اسلامی بر خانواده‌های ایرانی تحمیل کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی جنگی را به مردم تحمیل کرده است که بر اثر آن صدها هزار تن کشته، صدها هزار تن معلول و مجروح و میلیونها نفر آواره شده‌اند. ۸۲ درصد افرادی که به جبهه‌ها اعزام می‌شوند نوجوانان و جوانان ۲۵-۱۲ ساله هستند. کودکان و نوجوانان را علیرغم مخالفت والدینشان به جبهه جنگ می‌برند. هرگونه اقدام مادران و پدران ایرانی برای بیرون کشاندن فرزندان خردسالشان از تنور جنگ به شدت سرکوب و مجازات می‌شود. همانگونه که اعتراض به دیگر وجوه عملکرد ارتجاعی این رژیم نیز مجازات‌های سختی را در پی خواهد داشت.

شما مطلع هستید که رژیم جمهوری اسلامی دهها هزار نفر را به جرم اعتقاد آتشبان و بخاطر مخالفت با این رژیم، به قتل رسانده است. گروه کثیری از این کشته شدگان را زنان تشکیل می‌دهند، که آخرین نمونه آن شهیدای آزادی، مسئول شعبه زنان سازمان مادر شهر اصفهان بود که اخیراً زیر شکنجه به قتل رسید. تنها در طی مدت سه سال بیش از ۱۵۰ نفر زن در ایران، با انتساب اتهامات سیاسی و یا صرفاً بخاطر داشتن اعتقاداتی خلاف عقیده رسمی و مجاز، تیرباران شده‌اند. اکنون ۱۰ درصد کل زندانیان سیاسی ایران را زنان تشکیل می‌دهند.

برغم مجازات‌های مخوف، زنان ایران سرخشان در راه آرمانهای انسانی و به منظور دستیابی حقوق خویش مبارزه می‌کنند. زنان ایران انتظار دارند که همه انسانهای شریف در سراسر گیتی از تلاش آنها برای استقرار صلح و دستیابی به آزادی و برابری حقوق پشتیبانی کنند. مادر بازتاب این خواسته برحق، از شما تقاضا داریم از همه امکاناتتان برای انعکاس ستم بی‌حد و وحشی که از جانب رژیم جمهوری اسلامی بر زنان ایرانی می‌رود، برای یاری رساندن به مبارزه‌ای که زنان ایران در شرایط فوق دشوار به پیش می‌برند، بهره بگیرید. یاریهای انسان‌های شریف و آزاده جهان برای زنان ایران پرارزش است. ما از هرگونه اقدامی که در این راستا صورت گیرد، عمیقاً قدردانی می‌کنیم.

شعبه زنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
هشتم مارس ۱۹۸۷

نیروهای پیشرو و انقلابی در بلیزیک در دفاع از زندانیان سیاسی ایران

احزاب و سازمانهای شرکت کننده در جشن زادروز فدائیان خلق در بلیزیک متن زیر را در اعتراض به تهاجم وحشیانه حکومت ددمنش خمینی علیه فدائیان و در دفاع از زندانیان سیاسی میهنمان برای سفیر جمهوری اسلامی در این کشور ارسال کردند:

آقای محترم!

به قرار اطلاع، دولت شما بازم اقدام به دستگیری‌های وسیع نیروهای

مترقی ایران بویژه اعضا و مواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) کرده است.

تاکنون اخبار متعددی حاکی از دستگیری و سرکوب نیروهای مترقی و وضعیت دشوار زندانیان سیاسی در ایران بدست ما رسیده است.

بی سبب نیست که تاکنون مجمع عمومی سازمان ملل بارها و از جمله در آخرین اجلاس سال گذشته خود، نقض حقوق بشر در ایران را محکوم

کرده است.

ما، احزاب و سازمانهای زیر، دستگیری‌ها و تعقیب نیروهای مترقی را محکوم می‌کنیم.

ما خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی در ایران هستیم.

تا آن هنگام، ما خواهان تأمین حقوق شناخته شده زندانیان سیاسی هستیم.

حزب کمونیست بلیزیک

حزب کمونیست یونان

جوانان کمونیست یونان

حزب کمونیست ترکیه

حزب کمونیست عراق - بلیزیک

مواداران حزب توده ایران - بلیزیک

حزب کمونیست بلیزیک

سازمان جوانان کمونیست بلیزیک

سازمان دانشجویان عراق - بلیزیک

حمله عراق به فرستنده مخابراتی کرج

از روز ۳ اسفند ماه، فرستنده موج کوتاه رادیوی دولتی جمهوری اسلامی که خارج از کشور را زیر پوشش برنامه‌های خود قرار می‌داد، از کار افتاده است. روزنامه فرانسوی اکسپرس در گزارش خبری ویژه خود اعلام کرد که در جریان حمله هوایی عراق به مرکز مخابراتی کرج واقع در کمال آباد غرب تهران، آنتن‌های فرستنده موج کوتاه رادیوی جمهوری اسلامی آسیب دیده است. جنگنده بمب افکن‌های عراق روز یکشنبه سوم اسفند در شرایطی بر فراز شهر کرج ظاهر شدند که دولت عراق رسماً اعلام کرده بود که برای مدت ۲ هفته حمله به شهرهای ایران را قطع کرده است. عراق طی روزهای هفته گذشته بارها جمهوری اسلامی را متهم کرد که با حملات توپخانه‌ای به شهرهای مرزی آن کشور، مناطق مسکونی عراق را مورد حمله قرار داده است. طبق گزارشی که از سوی فرماندهی ارتش عراق منتشر شد، جمهوری اسلامی طی روزهای اخیر بیش از ۵۸ گلوله توپ به شهر بصره شلیک کرده است.

روز چهارشنبه ۶ اسفند ماه، سرفرماندهی ارتش عراق اعلام کرد که در صورت تکرار حملات توپخانه‌ای جمهوری اسلامی به شهر بصره و یا دیگر شهرهای مرزی آن کشور، بار دیگر جنگ شهرها را از سر می‌گیرد. موسی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی همان روز ادعا کرد که در مدت یاد شده، حملات توپخانه‌ای به شهر بصره متوقف بوده و ادعای عراق مبنی بر آتشبار توپخانه‌ای به این شهر را تکذیب کرد.

خبرگزاری‌های بین‌المللی اعلام کردند که جمهوری اسلامی در جریان یک حمله جدید در حوالی دریاچه مامی، به خطوط دفاعی عراق یورش برده است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی اعلام کرد که در جریان حمله جدید خود در محور شلمچه - بصره که در ادامه عملیات کربلای ۵ صورت گرفته است، ۲۰۰ تن از نیروهای عراقی را کشته و زخمی کرده است. پس از آن

در روز ۱۸ اسفند ماه در تهران اعلام شد که عملیات کربلای ۵ به پایان رسیده است.

رژیم عراق روز ۸ اسفند اعلام کرد که در فروردین جنگنده جمهوری اسلامی را در حوالی بصره سرنگون کرده و یک نفتکش غول پیکر ایران را در سواحل جنوبی کشور، به آتش کشیده است. از سوی دیگر اعلام شد که جمهوری اسلامی در همان روز اقدام به حمله به یک کشتی تجاری خارجی نموده است. در ۲ ماه اخیر این سیزدهمین کشتی خارجی است که در آبهای خلیج فارس مورد حمله قرار گرفته است.

حمله جدید در منطقه بصره

یک روز پس از اعلام پایان عملیات موسوم به "کربلای ۵"، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در منطقه این عملیات دست به یک حمله جدید زدند. قرارگاه مشترک سپاه و ارتش اعلام کرد در ساعت ۲۲ روز شنبه ۹ اسفند، نیروهای تحت فرماندهی این قرارگاه در غرب منطقه عملیاتی کربلای ۵ به نیروهای عراقی حمله کرده و مواضع جدیدی در جنوب غربی دریاچه مامی به دست آورده‌اند. جمهوری اسلامی مدعی شد در این یورش جدید ۴ لیب ارتش عراق را به میزان ۳۰ تا ۸۰ درصد متلاشی کرده و از تلفات عراقی ۲۰۰ نفر را کشته، مجروح و یا اسیر نموده است. تعداد اسرای عراقی انتقال یافته به پشت جبهه ۹۰ تن و شمار تانکها و خودروهای منهدم شده عراق ۴۵ عدد اعلام گردید. تا هنگام تنظیم این خبر - ظهر روز یکشنبه ۱۰ اسفند - اطلاع دقیقی از گستردگی و شدت نبردهای مجدد شرق بصره نرسیده بود.

شماره ای

در زمینه پدافند هوایی مشکلاتی داریم

اطلاعات ۲۶ بهمن - حجت الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهوری رژیم در مصاحبه با هفته‌نامه عربی



اینجا ملایر است، یکی از محروم‌ترین محلات ملایر است؛ یکی از محروم‌ترین محلات ملایر بود... نگرانی دهشتناکی بر شهرهای کشور سنگینی می‌کند.

زبان‌العالم فاش ساخت که جمهوری اسلامی در زمینه دفاع از شهرهای کشور در مقابل حملات هوایی بمب افکن‌های عراق ناتوان است. وی در برابر این سؤال خبرنگار العالم که مطرح کرده بود: "پدافند ایران در شهرها موفق نبوده و علت این امر را خیلی از رسانه‌ها انتقال و مسائل پدافندی به جبهه دانسته‌اند و دلیل این امر را هم سقوط هواپیماهای عراقی در جبهه‌ها ذکر کرده‌اند"، عنوان کرد: "ما در زمینه پدافند هوایی مشکلاتی داریم و این واقعیتی است و وضعی که امروز عراق در شهرهای پیش آورده است، جزو وضع‌های کم نظیر و استثنایی در تاریخ جنگهای اخیر به شمار می‌رود." خامنه‌ای در پاسخ به سؤال دیگر خبرنگار هفته‌نامه العالم که پرسیده بود "علت کند و پیچیده شدن حرکت (عملیات کربلای ۵) در روزهای اخیر چیست؟" چنین پاسخ داد: "عملیات نظامی طبیعت خودش را دارد و همواره با موانع، مشکلات و درگیریها مواجه است. این که نیروی توانایی جنگیدن دارد یا نه، در ملاحظه مجموع حوادث جنگ است... و انشاءالله در آینده هم بهتر خواهد شد."

بهای نفت کاهش یافت

رسالت ۲۷ بهمن - بدنال انتشار گزارش هفته‌نامه "پترولیوم اینتلیجنس ویکلی" چاپ نیویورک، بهای نفت در بازارهای جهانی کاهش یافت. براساس این گزارش، تولید نفت سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) به میزان ۷۰۰ هزار بشکه در روز بیش از سقف تعیین شده در اجلاس ۲۰ دسامبر ۸۶ می‌باشد. براساس این گزارش کشورهای امارات متحده عربی، عراق، کویت و اکوادور سهمیه‌های تعیین شده خود را رعایت نمی‌کنند. روزنامه رسالت به نقل از منابع نفتی خلیج فارس نیز اعلام کرد که تولید جاری اوپک روزانه ۱۶/۵ میلیون بشکه است. این در حالی است که بنابه مصوبه اجلاس دسامبر وزرای نفت اوپک، حداکثر سقف تولیدی نفت این سازمان برای سه ماهه اول سال میلادی جاری می‌بایست ۱۵/۸ میلیون بشکه در روز باشد. براساس گزارشهای منتشر شده از سوی محافل بین‌المللی امور نفت، امارات متحده عربی در حال حاضر ۲۰۰ هزار بشکه بیش از سهمیه ۹۰۲ هزار بشکه‌ای خود در روز نفت تولید می‌کند. علت افزایش تولید نفت امارات متحده عربی، مربوط به اضافه تولید دومی است که عملاً توافقنامه اخیر اوپک را به رسمیت نمی‌شناسد.

روزنامه رسالت به نقل از "تحلیلگران" علت عمده کاهش بهای نفت خام در بازارهای جهانی را "عوض شدن معامله گران نسبت به توانایی اوپک در زمینه ملحوظ داشتن سقف تولید آن سازمان" عنوان کرده است.

مانع‌سعد العتیبه وزیر نفت و منابع معدن امارات متحده عربی احتمال برگزاری اجلاس اضطراری وزرای نفت اوپک و کاهش بیشتر سقف تولید آن را مطرح کرده است.

بهای نفت تحویلی برای ماه مارس در هر بشکه نفت وست‌تگزاس، برنت و دومی به ترتیب به ۱۶/۴۵، ۱۷/۲۵، ۱۷/۸۵ دلار رسید که کاهشی معادل ۴۹، ۵۰ و ۲۰ سنت برای هر بشکه را نشان می‌دهد.

بقیه در صفحه ۶۶

تخصن کارگران کارخانه ارج

در کارخانه ارج نیز مثل سایر کارخانه های کشور، مبارزه کارگران برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل جریان دارد. اوایل بهمن ماه، کارگران این کارخانه تصمیم می گیرند برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مدیر عامل را تحت فشار درمهند. ۲۵۰ تن از آنان برای عملی ساختن این تصمیم به سراغ مدیر عامل می روند و در مقابل ساختمان امور اداری تحصن می کنند. مدیر عامل و سایر مسئولین کارخانه از شرکت در میان اجتماع کنندگان اجتناب می ورزند و حاضر به پاسخگویی به آنان نمی شوند.

در جریان این تحصن انجمن اسلامی و عوامل حراست (ساواک کارخانه) برای بازداشتن کارگران از پیشگیری این حرکت اعتراضی و برای شناسایی سازمانگران آن به فعالیت مشغول بودند. آنان از کارگران متحصن مخفیانه عکس گرفته و آن را در اختیار دادستانی و ساواک قرار دادند. چند روز بعد، از طرف دادستانی و ساواک مأمورینی به کارخانه آمده و کارگران را تهدید کردند که از تکرار این قبیل اقدامات خودداری کنند. همچنین برای مرعوب ساختن کارگران تصمیم به اخراج عده ای از کارگران مبارز گرفته اند. این تصمیم را هنوز نتوانسته اند به مرحله اجرا در آورند ولی به منظور زمینه سازی اخراج، انجمن اسلامی اطلاعیه ای علیه این عده از کارگران صادر کرده است.

مرگ کارگردار کارخانه ایران کاوه

فرمان، کارگر کارخانه ایران کاوه، روز دوم دی ماه سال جاری، هنگامی که در برج نگهداری مشغول کشیک شبانه بود، دچار حمله صرع شد و به روی اجاق برقی افتاد. او در این حادثه به علت شدت سوختگی جان خود را از دست داد.

فرمان به هنگام فوت، ۲۴ سال داشت. او از سال ۵۵ به استخدام کارخانه درآمده بود. سال ها کار در شرایط طاقت فرسای کارخانه، او را دچار بیماریهای مختلف نموده و بیماری صرع را در او تشدید کرده بود. مسئولین کارخانه می دانستند که او بیمار است. حتی پیش از حادثه اخیر، سه بار دکتر نیز در محل کارخانه دچار حمله شده بود و دربار صوم، کتری آب جوش به پایش ریخته و او را مدتی خانه نشین کرده بود. مسئولین کارخانه در پاسخ به مراجعات مکرر فرمان و سایر کارگران کارخانه، تنها به تغییر محل کار وی اکتفا کرده بودند. آنها حاضر نشده بودند برای معالجه وی امکانات درمانی تامین کنند.

کارگران کارخانه معتقدند اگر مسئولین کارخانه و اداره کار به بیماری فرمان توجه می کردند الان ۴ فرزند وی بی سرپرست نمی شدند.

کشتار روستائیان توسط پاسداران

اواسط دی ماه میان پاسداران حکومتی و

روستائیان فرحزاد تهران (واقع در غرب سعادت آباد) درگیری مسلحانه ای رخ داد. این درگیری در پی مخالفت روستائیان با غصب زمینهایشان توسط پاسداران روی داد. پاسداران مدعی بودند که ۱۰ هزار متر مربع از زمینهای فرحزاد توسط دولت به آنان داده شده است. اهالی منطقه که اغلب از کردهای مهاجر هستند اعلام کردند که حاضر به واگذاری زمینهای خود به دولت نیستند. پاسداران مسلح برای عقب نشاندن روستائیان، به زور و اسلحه متوکل شدند. روستائیان با عزمی راسخ، داس و بیل به دست گرفته و به مقابله با پاسداران برخاستند. آنان، پس از چندین ساعت درگیری، پاسداران را خلع سلاح کرده و از ده بیرون راندند. وقتی نیروهای کمکی پاسداران از راه رسید، تهاجم وحشیانه به روستائیان دوباره آغاز شد. مردان روستا در مزارع موضع گرفتند و زنان برای افشاکری و بسیج اهالی مناطق اطراف، به خارج از روستا روانه شدند. پاسداران چون می دانستند اگر پای زنان به بیرون از روستا برسد، درگیری گسترده تر خواهد شد، به سوی آنان آتش گشودند. با حمله مسلحانه پاسداران عده ای از اهالی فرحزاد به قتل رسیدند و عده زیادی مجروح شدند. علاوه بر این، نزدیک به ۱۰۰ تن از روستائیان را دستگیر و روانه زندان کردند.

پس از آن پاسداران در روستا حکومت نظامی برقرار کردند.

گزارشنامه ای از بمباران ارومیه

"... روز شنبه، یازدهم بهمن ماه در اداره بودم که اعلام وضعیت قرمز شد. ساعت ده و سی دقیقه بود. با اعلام وضعیت قرمز، صدای ضدهوایی ساختمان استانداری بلند شد. همه بی خبر از اینکه مثل سابق هواپیماهای عراقی از آسمان شهر رد می شوند، توجهی به آنها نداشتند. هواپیماها حدود ۵ پاه فرورد بودند. ناگهان باران بمب و راکت بر سر شهر باریدن گرفت. طوری بود که نمونه اش راحتی در فیلمهای مستند جنگی هم ندیده اید. با شروع بمباران، ساختمان مرکزی اداره که به عنوان پناهگاه عمومی اعلام شده، مملو از جمعیت شد. بمباران حدود ۲ دقیقه طول کشید. هنوز نمی دانستم تمام شده یا نه. به طرف خانه راه افتادم. در خیابانها، رانندگان ماشینها را رها کرده و رفته بودند. خیلی از ماشینها به هم خورده و آسیب دیده بودند. ماشینهای پاسداران و آمبولانسها با سرعت از لابلای اینها و جمعیتی که در خیابانها به دنبال پناهگاه به این طرف و آن طرف می دویدند، درآمد و رفت بودند. همان روز چندین نفر زیر چرخهای این ماشینها کشته شدند. مردم به "تویوتا"های سیاه و کمیته لقب فانتوم زمینی داده اند.

سیمد متری منزل ما بمبی منفجر شده بود و اکثر خانه های محل آسیب دیده بود. می توانم بیش از بیست منطقه بمباران شده دیگر را بشمارم. پاساژ نور در خیابان خیام یکی از این مناطق است. با وجود اینکه ساختمانی نوساز داشت ولی از شدت بمباران به کلی ویران شد. مدرسه بهجت و دبیرستان لعل نیز هدف حمله بودند. در مدرسه بهجت بیش از ۷۰ دانش آموز در دم جان سپردند. حدوداً ده راکت

آغاز بمباران، شیر تعذیل شد و هر کس قادر بود شهر را تخلیه کرد.

هنوز کار جمع آوری و دفن مرده های شنبه را تمام نکرده بودیم که هواپیماها دوباره آمدند. دوشنبه روز سیزدهم بهمن. کشتار اول مردم را درمانده کرده بود. هر کس به اولین سوراخی که چشم می خورد، پناه می برد. به هنگام حمله هواپیماها، در کودال های جوی آب در کنار خیابان، جمعیت به روی هم خوابیده بودند، هواپیماها با خیال آسوده بمبهایشان را ریختند. این بار آن نقاطی که از تیریشان دو مانده بود، زدند. در خیابان عسکری آبادی وسط محوطه مسجد اعظم و در خیابان مهاباد، ۵۰ متری میدان مرکز، محل تجمع مسافری روستاهای کرد نشین به شدت بمباران شد. میدان تره بار در خیابان شهرام جنب دبستان نوید فتح یکی دیگر از مناطق مورد حمله بود. هرچند عده ای در این منطقه بود، کشته یا زخمی شد. در خیابان مهاباد اثر اصابت بمب، از وسط خیابان آب بیرون آمده بود. بلوار زنجیر در جاده دریا و خیابان بهارستان و کارخانه سبزه پاکتی که کارگران آن عموماً زن و دختر بچه ها هستند بمباران شدند. اگر بمب هایی که به این منطقه ریخته شده، کمی آنطرف تر اصابت می کرد، چند هزار دانش آموز مدارس منطقه یکجا در شعله آتش می سوختند. در خیابان شاپور (رضایی فعلی) کلانتری ۳۰، دبستان دهقان و خانه های اطراف آن نیز بمباران شدند. ساختمان کلانتری با خاک یکسان شد و کارمندان آن زیر آوار ماندند.

علاوه بر کشته ها که رقم آنها بیش از ۲۰۰ نفر است عده زیادی نیز مفقود شده اند."

به دروازه شاپور انتهای خیابان رضایی پرتاب شد. راکتی به یکی از مغازه داران که جلوی مغازه اش ایستاده بود اصابت کرد. قطعاتی از بدن او به در و دیوار چسبیده بود. با برخورد یکی از راکت ها به اتوبوسی مملو از مسافر، همه کشته شدند و پیکرشان در شعله های آتش سوخت. در خیابان سیروس داروخانه دلشاد مورد حمله قرار گرفت. دکتر مسئول داروخانه در همین حادثه کشته شد. به نظر می رسد می خواستند مدارس نزدیک داروخانه را بزنند که خوشبختانه نتوانستند. در خیابان بهنه و دانشکده، ساختمانهای پشت بیمارستان طالقانی به شدت صدمه دیدند. شاهرخ آباد و حسین آباد که هر دو از مناطق زحمت کش نشین و پر جمعیت حاشیه شهر هستند چنان آسیب دیدند که دیگر قابل تعمیر و ترمیم نیستند. خیابان سیروس، ووبروی کلانتری یک، میدان دواب سابق چندین ساختمان هدف قرار گرفت و عده ای از روستائیان که در محل به انتظار اتوبوس بودند مجروح شدند. و... اینها در بمباران اول بودند. در این بمباران به هر کجا بمب افتاد، به شعاع ۵۰۰ متر ویران شد.

هنوز آثار قطعات بدن انسان، که به در و دیوار چسبیده بود، باقی است. تکه پاره های پیکر متلاشی عده ای را حتی نتوانستند جمع آوری کنند. در بمباران اول حدود هزار نفر کشته شدند و هزاران نفر زخمی هستند. در بیمارستان جای سوزن انداختن نیست. به علت کمبود دکتر و دارو و کمک های اولیه، هر روز بر تعداد کشته ها افزوده می شود. از فردای روز بمباران، مردم شهر مشغول جمع آوری کشته ها و کفن و دفن آنها بودند. کمی به فکر مراسم و تشریفات نبود. گورکن نبود و مردم خردشان بیل و کلنگ دست گرفته و زمین یخزده "باغ رضوان" را می کنند. از همان لحظه

زن و انقلاب اجتماعی

جامعه یک سیستم است و یک سیستم بنا بر تعریف مجموعه‌ای است از اجزای مرتبط با هم که بین آنها، رابطه هماهنگی و تبعیت برقرار است. پدیده‌های اجتماعی منتزع از یکدیگر معنی ندارند. همه را باید در رابطه با یکدیگر و تقدم و تاخر روابط را، به لحاظ علی، به لحاظ تاریخی و منطقی، با دقت مورد توجه قرار داد. بدون در نظر گرفتن این نکته پایه‌ای، نمی‌توان با یک مساله اجتماعی، برخورد علمی داشت. شناخت علمی جامعه در مارکسیسم - لنینیسم تبلور یافته است. مارکسیسم - لنینیسم علاوه بر نقد بیرحمانه شیوه‌های غیر علمی مطالعه جامعه تاکید می‌کند آنجایی که مدعیان طرح و حل یک مساله اجتماعی، آن مساله را از دیگر مسائل اجتماعی منتزع می‌سازند، روابط زنده و پویای آن را می‌کشند تا روابط علت و معلولی از نظرها مخفی بماند، پای یک فریب بافتنی در میان است.

مساله زنان یکی از عمده‌ترین مسائل همه جوامع طبقاتی است. میزان حدت و شدت این مساله در جوامع مختلف، جوهر آن را تغییر نمی‌دهد. مساله زنان ایران ما اکنون تفاوتی با شرقی با مساله زنان در آمریکا یا اروپا دارد. اما علی‌رغم این تفاوتها قلب مساله یکی است: ستم دوگانه. مساله زن، بعنوان یک مساله اجتماعی را، نمی‌توان منتزع از دیگر مسائل اجتماعی مورد بررسی قرار داد. طرح انتزاعی این موضوع تنها از سوی فریبکاران یا فریب‌خوردگان، صورت می‌گیرد. اعتلای زن! زن در مسیر رهایی! ارج و مقام ویژه و رهبری زن! آزادی زن! آیا این ادعاها را باید باور کرد؟

نظر نسبت به آزادی زن تابعی است از نظر نسبت به آزادی و دموکراسی. آزادی زن، شاخص آزادی یک جامعه است. انگلس در بررسی افکار فرودیه به این گفته او که "در هر اجتماعی، میزان آزادی همگانی بستگی به میزان آزادی زن دارد"، ارج فراوانی می‌گذارد. مارکس تاکید می‌کند که از نحوه مناسبات مرد با زن می‌توان پی برد که "آدمی" بعنوان یک نوع، تا چه درجه‌ای به "انسان" تبدیل

شده است. آزادی زن یکی از شاخص‌های بنیادین تکامل نوع بشر است. با در نظر گرفتن وزن و قدر آزادی زن، می‌توان میزان تکامل "انسانیت"، و اعتلای اخلاقی، فکری و اجتماعی بشر را محک زد. گذاشتن هر اما و اگر، در این سوآن سوآژه آزادی، بلافاصله به زنجیری بردست زنان تبدیل می‌شود.

جمهوری اسلامی، رژیم آزادی‌کش است و طبیعی است اگر چنین رژیمی، آن هنگام که برگرد کلیت جامعه حصار می‌کشد، در درون این زندان بزرگ، زندان مخوفتری ویژه زنان تدارک ببیند. خصلت حیوانی‌فقا در رابطه با زن نمود پرورشی دارد. اگر شکل رابطه با زن و نحوه تلقی از زن، شاخص انسانیت باشد، فقها را باید مشتکی گوریل معمم بنامیم.

مساله زنان را در رابطه تنگاتنگ با برداشت و تلقی از مقوله آزادی و دموکراسی دیدن، معیار مستحکمی برای اثبات پوچ بودن دعاوی همه تفکرات اتجاعی، چه تفکرات سنتی و چه اندیشه‌های بورژوازی جدید است. بورژوازی ایران در زمان شاه نیز که برخلاف امروز نمایندگان مکلایش عنان حکومت را در دست داشتند، در زمینه آزادی زن امتحان خود را پس داده است. از خاطر نبرده‌ایم که خردشاه چه درکی از زنان داشت و فراموش نکرده‌ایم که در قاموس شاهنشاهی "آزادی زن" به چه معنی بود. دیکتاتوری شاهی، یکی از ارکانش نقض آشکار حقوق زنان بوده است.

طرح انتزاعی "آزادی زن" فریبکارانه است. درک از آزادی زن را درک از مقوله دموکراسی معنی می‌کند، اما دموکراسی در بیان انتزاعی شعار بورژوازی بیش نیست. دموکراسی برای چه کسانی؟ دموکراسی در خدمت نیل به چه اهدافی؟ چه نیرویی برچمدار دموکراسی واقعی برای اکثریت توده مردم است؟

درک مشخص از مفهوم آزادی زن مستلزم درک مشخص از مفهوم آزادی است. تدقیق مفهوم "آزادی"، برای تحقق بخشیدن به آزادی زن،

هم از زاویه تئوریک و هم از زاویه پراتیک مبارزاتی، دارای یک اهمیت کلیدی است. همزمان با طرد برداشت بورژوازی از دموکراسی، در عرصه بحث مشخص حول مساله زن نیز باید فعلا نه در جهت طرد تفکرات بورژوازی از صفوف جنبش زنان، مبارزه کرد. لنین در مقاله "کنگره انترناسیونال سوسیالیستی در اشتوتگارت" این تصمیم را که زنان کارگر باید مبارزه خود برای کسب حق رای را، نه در اشتراک با مدافعان بورژوازی حقوق زنان، بلکه در اتفاق با احزاب طبقاتی پرولتاریا پیش ببرند، (با تأکید عنوان گذاری کلارازتکین) انقلابی، و دیدگاه مقابل آن را، که مبتنی بر نادیده گرفتن صف بندیهای طبقاتی در جنبش زنان بود، اپورتونیستی ارزیابی می‌کند (۱). این ارزیابی لنین از دو دیدگاه در جنبش زنان، مبتنی بر ارزیابی اوان مفهوم دموکراسی است. مساله زنان، از جمله مسائل یک انقلاب بورژوا - دموکراتیک است.

لنین در مقاله "به مناسبت چهارمین سالگشت انقلاب اکتبر" (۲) می‌نویسد: "مذهب یابی حقوقی زنان باستمرگی نسبت به ملیتهای غیروس و نابرابری حقوقی آنها را بگیریید. همه اینها مسائل مربوط به انقلاب بورژوا دموکراتیک است." لنین پس از تعیین کردن این چارچوب تاریخی بلافاصله تاکید می‌کند: اما "حتی یک کشور راقی جهان نیست، که این مسائل در آن در جهت بورژوا - دموکراتیک تا آخر حل شده باشد." (تاکیدات از لنین). علت این امر چیست؟ رهبر انقلابی که در زمینه رهایی زنان نیز فصل تازه‌ای کشور، در ادامه این تاکید خود، به این پرسش چنین پاسخ می‌دهد: زدودن ستم مذهب، ستم بر زنان، ستم ملی و... همه اینها مضمون انقلاب بورژوا دموکراتیک است. صد و پنجاه تا دویست و پنجاه سال پیش از این، پیشوایان پیشگام این انقلاب (اگر بخواهیم از یک یک صور ملی این طراز کلی سخن گوئیم، باید بگوئیم این انقلابها) به مردم وعده دادند، بشریت را از قید امتیازات قرون وسطایی، نابرابری زنان، امتیازات دولتی فلان یا بهمان دین (یا "اندیشه دینی" و "دینداری" بطور اعم) و از قید نابرابری ملیتها برهانند. وعده دادند و اجرا نکردند. نمی‌توانستند اجرا کنند زیرا "احترام" به "مالکیت خصوصی

مقدس" مانع بود. براساس این ملاحظات، در رابطه با وضعیت مشخص کشور ما، حل مساله زنان در کادر وظایف انقلاب دموکراتیک جامی گیرد که توسط طبقه کارگر سرکردگی شود. در این چارچوب است که آزادی جامعه انتزاعی بودن را فرو می‌نهد و تشخص عینی و طبقاتی می‌یابد. مضمون این انقلاب و مرزهای آن با انقلاب بورژوا - دموکراتیک، روشن کننده برداشت ما از آزادی زن و شاخص مرزهای طبقاتی در جنبش زنان است. انقلاب دموکراتیک، درهم کوبیدن همه ستمهای "نفرت انگیز" سواژ و قرون وسطی است. از این نظر انقلاب دموکراتیک ترانزویس، وجوه مشترکی با انقلاب دموکراتیک تراژیک دارد.

اما در عصر ما که بورژوازی پرچم دار این انقلاب نیست، ما با انقلاب دموکراتیک، همزمان از دوزخ قرون وسطی و سرمایه داری فاصله می‌گیریم. این فاصله گرفتن در عرصه بحث ما، به معنی فاصله گرفتن چه از الگوی قرون وسطایی زن و چه از الگوی سرمایه دارانه زن است.

اما در حال حاضر چه چیز عمده است؟ مساله عاجل زنان گسستن قید و بندهای قرون وسطایی است، مساله عاجل زنان فروریختن زندان حجاب است، لغو قانون چند همسری است، زیر پا افکندن قانون فحشای اسلامی در زیر عنوان نفرت انگیز عقد موقت است، پاره کردن "لایحه قصاص" است، تلف افکندن بر روی این حکم پایهای فقهاست که "زن نصف مرد است". در عمده بودن این مسائل، هیچ تردیدی نباید کرد. اما تردید هم نباید کرد که نمی‌خواهیم از ایران جمهوری اسلامی، به ایران شاهنشاهی بازگردیم. برنامه حداقل ما در زمینه حقوق زنان، آزادی پوشش در پیش از انقلاب، و قانون خانواده، قانون کار و قانون تامین اجتماعی مجلس شورای ملی دستگاه سلطنت نیست. آماجهای ما - که تنها دستیابی به آنها آزادی کامل زن را متحقق می‌سازد - از مرز یک انقلاب بورژوا دموکراتیک به مراتب فراتر می‌رود و درک ما را از یک برنامه بورژوازی در زمینه مساله زنان، بطور کیفی - با توجه به جهت و پیگیری آن - فراتر می‌برد.

جنايات رژیم جمهوری اسلامی در زمینه پامال کردن حقوق زنان، توجیه کننده رژیم سلطنتی نیست.

۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن گرامی باد!

دفاعی و دست زدن به یک تعرض - تعرض از روبرو به جبهه ارتجاع فقامتی و تعرض از پهلو به اردوی جبهه خرده بورژوازی و پترووازی - ارائه نظر اثباتی در زمینه حقوق زنان، ترویج و تبلیغ وسیع آن است. ما در این عرصه (از جمله به تقصیر خود) بسیار ضعیف مانده ایم. نیروی عادت، قدرت سنت ها در جامعه ما، آوارگی آن قریباً تهقیر و تهوین، فقر فرهنگی اکثریت قریب به اتفاق زنان زحمتکش ما (و نیز کم کاری خود ما!) همه و همه به نفع ارتجاع فقامتی و ارتجاع بورژوازی عمل می کنند. ما باید به تلاش خستگی ناپذیری دست بزنیم تا بتوانیم الگوی راکه از زن در ذهن داریم، به جامعه خود معرفی کنیم. کار سختی بنظر می آید، اما آنکه از سختی کار واهمه کند، به هیچ رو مبارز خوبی نیست. هر لحظه غفلت در زمینه دست زدن به این تلاش، هر ذره کوتاهی در این رزم دراز مدت، باعث می شود رقبای بورژوازی ما چندین گام بلند، از ما جلو بزنند. باتمام توان به پیش رویم! یک لحظه نیز فراموش نکنیم که ما زنان و مردان کمونیست، می خواهیم زنان میهنمان را برای یک انقلاب اجتماعی بسیج کنیم، تنها انقلابی که رهایی زن رانیز با خود به ارمغان خواهد آورد.

- (۱) منتخب آثار ۶ جلدی لندن به آلمانی، ج ۲، ص ۲۵۱
(۲) منتخب آثار تک جلدی به فارسی، ص ۸۲۲
(۳) منتخب آثار ۴ جلدی، ج ۲ ص ۴۴۶

آینده ما هستند. قلب آنها شرار از کینه نسبت به رژیم جمهوری اسلامی است. این نفرت عمیق باید در بسیج انقلابی زنان، دوشادوش با رزم متشکل کارگران و زحمتکشان کشور، و درهم تنیده با مبارزه اردوی رنج و کار، تبلور مادی و قدرت براندازی بیابد.

زنان اهرم رزم انقلابی، نه صرفاً وسیله و بهانه افشاگری. مادر افشاگری علیه تحمیل حجاب، علیه فحشای اسلامی و علیه تعدد زوجات، با بخشهایی از بورژوازی همراهیم. بسیج انقلابی زنان زحمتکش است که مرز افتراق کنونی ما با زنان بورژواست. یک تفکر بورژوازی، تفکر صرفاً دموکراتیک، در نهایت از چارچوب بهره برداری از زنان برای افشای خصلت قرون وسطایی حاکمیت، فراتر نمی رود. افشاگری پاسیو و برخورد با مساله زنان صرفاً از زاویه دفاعی - دفاعی تا حد اکتفا به دست یافتن به سترگی که تا دیروز در آن قرار داشتیم - جنبش زنان ما را اعتلا نمی بخشد. افشاگری باید در خدمت بسیج انقلابی قرار گیرد. تکامل بخشیدن به وظیفه افشاگری، تحقق وظیفه بسیج گر، رسیدن از وظیفه اول به وظیفه دوم، بر طرف کردن گسست بین آن دو و باز کردن کامل در جنبش حول لولای وظیفه بسیج گر، که مستلزم برخوردی مید بار فعالتر از امروز با مساله زنان کشور است، وظیفه همواره ماست. امری که امروزه اساسی بگرنه ای تراژیک فراموش (!) می شود.

لازمه فراتر رفتن از یک ستر

اما آیا این آموزش به معنی آنست که بورژوازی و زنان روشنفکر آن می توانند مربی ما باشند؟ نه! در اینجا مساله مهمتری وجود دارد. اکنون در برابر دستگاه حقوقی بورژوازی، یک دستگاه حقوقی دیگر شکل گرفته است: حقوق سوسیالیستی. منبع الهام ما، این دستگاه حقوقی است. مابه سوسیالیسم چشم داریم و در این راستا می جنگیم که زن ایرانی همپایه و همتراز زن شوروی، زن بلغاری، زن ویتنامی و زن کوبایی شود. ما نیازی نداریم که از قرون وسطی به شکل متکامل (۱) مدنیت بورژوازی گام بگذاریم. ما این روند را قطع می کنیم و هیچ نیازی نداریم با قایل شدن به مرحله دیگری از تداوم و تکامل رشد سرمایه داری، خواسته های خود را در حد توان این نظام خلاصه کنیم. نظامی که هیچگاه (و بطریق اولی امروز) نه می تواند و نه می خواهد برابر حقوقی زنان را تأمین کند. حل واقعی مساله زنان، کاریک انقلاب اجتماعی است، امری که بورژوازی (در هر شکلی و شایلی) سد راه آنست.

از یک انقلاب اجتماعی که انقلابی توده ای است، بدون شرکت فعال زنان، نمی توان سخن به میان آورد. زنان، انقلاب را توده ای می سازند. ما از هم اکنون شاهد شرکت فعال زنان میهن در اعتراض علیه جنگ، در اعتراض علیه فلاکت اقتصادی، و در اعتراض به خاطر نجات جان زندانیان سیاسی هستیم. زنان، رکن اصلی انقلاب

اکنون زنان بورژوازی ما همچون زنان کادت (دموکراتهای مشروط خواه روسیه) بقول لنین آماده اند که در برابر کنیز مطبخی های ما "براساس بهترین منابع انگلیسی و فرانسوی، در مورد حق مساوات زنان دست به سخنرانی بزنند." (۲) پاسخ زنان زحمتکش ما به آنها باید این باشد که: ما شما را آموخته ایم. ما در زمان سیادت شما اربابان محترم، همینگونه کنیز مطبخی بوده ایم. آنکه واقعا در راه آزادی زن می ریزد، حق ندارد حتی لحظه ای این واقعیت را فراموش کند.

باید بین حقوق بورژوازی در زمینه آزادی زن و سیادت بورژوازی در زمینه جنبش زنان، تفاوت قایل شد. مابسیار خرسند خواهیم بود اگر زمانی زنان ما به همان حقوقی که زنان اروپایی دست یافته اند، دست بیابند. در راه دستیابی همان حقوق نیز مبارزه خواهیم کرد. اما در جریان همین مبارزه از یاد نمی ببریم که در پس همین حقوق بورژوازی در اروپا و آمریکا، جنبش های عظیمی همچون جنبش ۸ مارس - جنبشی که به دست بورژوازی به خون کشیده شد - نهفته است. اشرافیت و در عرصه های مهمی خود بورژوازی در مبارزه ای سخت ستر به سنگر عقب رانده شدند، تا حقوق زنان رسمیت یابد.

ما از حقوق بورژوازی در مورد زنان، که خود ثمره جنبشهای عظیم و نتیجه قرنهای متمادی رزم و تلاش است، بسیار می توانیم بیاموزیم.

از رویدادهای ایران

پنجاه و سه صفحه ۴

مقایسه آماری شهر تهران با شهرهای بزرگ جهان

اطلاعات ۲۶ بهمن - از سوی مرکز آمار ایران، نتایج بررسی آماری مربوط به اطلاعات آماری فرهنگی و اجتماعی ۴۸ شهر از ۱۰۸ شهر بزرگ جهان که بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارند، منتشر شد. براساس آمار منتشر شده از سوی این مرکز، تراکم جمعیت در شهر تهران در هر کیلومتر مربع ۱۰۵۲ نفر است (سال ۱۳۶۱)، در حالیکه تراکم جمعیت در پکن (با جمعیت بیش از ۹ میلیون نفر) برابر ۵۴۷ نفر می باشد (سال ۱۳۵۹)، بدین ترتیب تراکم جمعیت در تهران قریب به ۲۰ برابر تراکم جمعیت در شهر پکن است.

نسبت مرگ و میر نوزادان به کل کودکان زنده متولد شده در شهر تهران با ۲/۹ درصد ۸ برابر بیشتر از شهر توکیو است.

در زمینه فرهنگی، در شهر تهران تنها ۸ موزه وجود دارد. این در حالی است که شهر توکیو دارای

۱۱۵ موزه می باشد. تعداد کتب موجود در کتابخانه های شهر مسکو، بالغ بر (۵ میلیون جلد، در شهر بخارست (پایتخت رومانی) بیش از ۲۸ میلیون جلد است، حال آنکه کل کتب کتابخانه های تهران تنها ۲۴۲ هزار جلد می باشد.

کنترل همه کارتهای معافیت از خدمت

روزنامه کیهان ۱۹ بهمن طی گزارشی اعلام کرد: "یک باند جاعلین کارتهای پایان خدمت و معافیت در هشتگرد بدام افتاد." براساس این گزارش این باند در ازای دریافت مبالغ هنگفتی کارتهای پایان خدمت جعل می کرده است و تاکنون هزاران کارت پایان خدمت جعلی توزیع کرده است. فرمانده پاسگاه ژاندارمری هشتگرد "از کلیه ادارات، ارگانها، نهادهای کسبه ها و کارخانجات دولتی در سراسر کشور خواست در صورتیکه کارت پایان خدمت و یا معافیت عمومی و یا کاپیو تری در نزد آنان است جهت تأمین و بررسی بیشتر و اطمینان کامل از واحدهای تابعه ژاندارمری، کسب تکلیف گردد تا اصالت کارتها مشخص شود."

از میان دیگر رویدادها

* صدای جمهوری اسلامی، ۱۰ اسفند ماه - مجلس شورای اسلامی در جلسه روز یکشنبه ۱۰ اسفند خود، لایحه بیمه بیکاری را تصویب کرد.

* صدای جمهوری اسلامی، ۱۰ اسفند ماه - هیات دولت طی نشست روز یکشنبه ۱۰ اسفند خود، مبلغ ۱ میلیارد ریال را به "واحد مهندسی" چباد سازندگی اختصاص داد. لازم به یادآوری است که این واحد جهاد سازندگی در خدمت سترگ سازی و دیگر اقدامات مربوط به جبهه های جنگ قرار دارد.

* به گزارش صدای جمهوری اسلامی (۱۰ اسفند ماه) آیت الله منتظری طی پیامی برای روحانیت شیعه لبنان خواستار "مجازات" کسانی شد که به ادعای او، دست به کشتار حزب اللهی ها زده اند.

* اطلاعات ۲۵ بهمن - حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور رژیم با کلیات پائینی، نجفی مرعشی، منتظری و مشکینی ملاقات کرد و گزارشی از مسائل جاری کشور به آنان ارائه کرد. روز یکشنبه ۱۰ اسفند نیز رسماً اعلام گردید که فسنجانی در قم با منتظری ملاقات و مذاکره کرد. دیدار پیشین این دو هنگام پخش نوار تلویزیونی مهدی هاشمی صورت گرفته بود.

دانمارک

جشن‌های باشکوه سالروز تولد سازمان و حماسه سیاهکل، در روزهای ۱۸ و ۲۵ بهمن در دو شهر آرهوس و کپنهاگ و با شرکت گسترده ایرانیان، نیروهای مترقی دانمارک و چندین کشور دیگر برگزار گردید. در زیر گزارش این جشن‌ها از نظر خوانندگان می‌گذرد.

آرهوس

سالروز تولد سازمان، روز ۱۸ بهمن در شهر آرهوس جشن گرفته شد. این جشن که نزدیک به پانصد نفر در

برنامه‌های جشن، با به صحنه آمدن هنرمندان با لباسهای محلی ایران و اجرای رقص دوستی آغاز شد. قرائت پیام‌های همبستگی، اجرای نمایشنامه موزیکال "صلح و جنگ" و سپس اجرای نمایشنامه "خواستگاری در کردستان ایران" توسط هنرمندان گروه رقص "ریبه‌ندان" از



جمله برنامه‌های دیگر این جشن بودند که با استقبال ممتانی روبرو شد. احزاب و سازمانهای بسیاری با ارسال پیام و اعزام نمایندگانی از سوی خود به جشن‌های آرهوس و کپنهاگ که بزرگترین گردهمایی‌های ایرانیان در سال جاری بودند، حمایت همه جانبه خود را از پیکار فداییان در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم اعلام کردند. از آن جمله اند:

- حزب کمونیست دانمارک
- حزب سوسیالیست چپ دانمارک
- حزب سوسیالیست مردمی دانمارک
- سازمان جوانان کمونیست دانمارک
- حزب کمونیست عراق - دانمارک
- حزب کمونیست شیلی - دانمارک
- کمیته دفاع از حزب کمونیست ترکیه - دانمارک
- جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین - دانمارک
- جبهه خلق برای آزادی فلسطین - دانمارک
- نمایندگان اسکاندیناوی
- حزب سوسیالیست کردستان ترکیه - دانمارک
- جنبش انقلابی میر شیلی - دانمارک
- حزب سوسیالیست شیلی - دانمارک
- جبهه متحد چپ شیلی - دانمارک
- حزب سوسیالیست کردستان عراق - طرفدار دموکراسی انقلابی

آن حضور یافته بودند با استقبال چشمگیر ایرانیان روبرو گردید. برنامه جشن با قرائت یادواره شهیدان خلق و اعلام یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت یاد آنان آغاز گردید. آنگاه یک رفیق فدایی همراه با گروه موزیک دانمارکی به اجرای سرودهای جنبش و سازمان پرداخت. اجرای این سرودها با کف زدنهای ممتد حاضرین مواجه شد. در پی قرائت پیام کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) بمناسبت ۱۹ بهمن شعار درود بر فدایی تمامی سالن مراسم را دربر گرفت. این جشن با پیام حزب کمونیست دانمارک و پس از آن پیاخاستن همه میهمانان در حالیکه یک صدا سرود انترناسیونال، سرود پیروزی رنجبران جهان را سر داده بودند، پایان یافت.

کپنهاگ

روز ۲۶ بهمن یکی از مراکز شهر کپنهاگ شاهد حضور بیش از ۸۰۰ تن ایرانی، دانمارکی و مردم سایر ملیتهای مقیم و نیز نمایندگان احزاب و سازمان‌های انقلابی و مترقی از دانمارک و سایر کشورها در جشن سالروز تولد سازمان بود.

سرود صلح و آزادی

در جشن‌های شانزدهمین سالگشت تولد فدائیان خلق

هندوستان

گفت: "فداییان در صف مقدم انقلاب برای سرنگونی رژیم شاه بودند". رفیق سورجیت افزود: "ما حمایت همه جانبه خود را از مبارزین فدایی اعلام می‌کنیم."

دومین سخنران رفیق ام. فاروقی دبیر هیئت اجرایی شورای ملی حزب کمونیست هندوستان بود که ضمن اشاره به نقش فداییان در مبارزه علیه رژیم استبداد مذهبی خمینی گفت: "اکنون در ایران یکی از خشن‌ترین و وحشی‌ترین رژیم‌های دنیا حکومت می‌کند. مبارزه فداییان مبارزه مامم می‌باشد." وی بر اتحاد و همکاری نیروهای چپ و دموکراتیک برای تحولات بنیادین آینده تاکید کرد.

دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست انقلابی و دبیر کمیته مرکزی جبهه پیشروی سراسری هند سخنران بعدی مراسم بودند که همبستگی عمیق خود را با فداییان در پیکار برای آزادی مردم ایران اعلام داشتند.

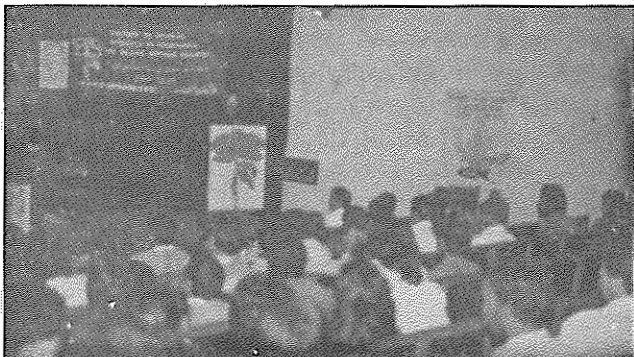
بخش دوم جشن زادروز سازمان در هندوستان شامل برنامه‌های گوناگون فرهنگی و هنری بود. این برنامه‌ها با اجرای چند قطعه شاد و خاطره‌انگیز که در شورای ارگ منعکس بود آغاز شد و با نمایشنامه‌های کمدی "رینگ بوکس" در رابطه با جنایات خمینی و صدام حسین و نقش آمریکادر آن و "دریاچه بوفالو" بر اساس معاملات پنهانی تسلیحاتی خمینی و ریگان ادامه یافت. در میان میهمانان این جشن علاوه بر چهره‌های سیاسی، تعدادی از اساتید دانشگاهها و همچنین مسئولین نمایندگی‌های کشورهای اتحاد شوروی، کامبوج، لاوس، افغانستان و... حضور داشتند.

روز ۲۲ بهمن همزمان با سالگرد انقلاب بهمن، جشن زادروز سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) با حضور جمع کثیری از هوولنان ایرانی و میهمانان خارجی برگزار گردید.

در بیرون از سالن محل برگزاری جشن، میز کتاب، نمایشگاه عکس جانباختگان فدایی و نمایشگاه عکس ویرانی‌ها و فجایع جنگ ایران و عراق مورد توجه میهمانان قرار گرفت. سالن محل جشن با طرح‌ها، شعارها و عکس‌های بنیانگذاران سوسیالیسم علمی و تصویر رفیق بیژن جزنی تزیین یافته بود.

برنامه با خوش‌آمدگویی به میهمانان و اجرای سرود انترناسیونال توسط یک فدایی خلق آغاز گردید. پس از یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد عزیز فداییان جانباخته و دیگر فرزندان بخون خفته مردم یک رفیق فدایی به ایود سخنرانی درباره تاریخ مبارزات سازمان پرداخت و در پایان سخنرانی خرد سپاسگزاری فداییان را از همبستگی رزم‌جویانه همه نیروهای مترقی هندوستان، بویژه حزب کمونیست هندوستان و حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) بیان داشت. سپس یک فیلم نیم‌ساعته به نام "فداییان و انقلاب بهمن ۵۷" به نمایش درآمد.

اولین سخنران میهمان جشن، رفیق هارکیشان‌جینگ سورجیت، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) بود که سخنان خود را با تبریکات رفیقانه به فداییان آغاز کرد. وی



بریتانیا

روز ۱۸ بهمن جمع کثیری از هواداران و دوستان سازمان و نمایندگان احزاب کمونیست و انقلابی کشورهای مختلف و نیروهای ترقیخواه بریتانیا در یکی از تالارهای شهر لندن گرد آمدند تا شانزدهمین سالگشت حضور انقلابی و رزمنده فداییان خلق در مبارزه برای رهایی کارگران و زحمتکشان از بند ستم طبقاتی را جشن بگیرند.

مراسم جشن با اعلام یک دقیقه سکوت به احترام فداییان شهید و سپس اجرای سرود فدایی توسط گروه کر آغاز شد. بدنبال آن متن کوتاهی درباره مبارزات سازمان از آغاز تا امروز خوانده شد و در ادامه، چند قطعه موسیقی ایرانی اجرا گردید.

حزب کمونیست بریتانیا از جمله احزابی بود که بدین مناسبت پیامی ارسال کرد. در این پیام خطاب به فداییان خلق آمده است: "ما بخوبی از اقدامات و وحشیانه و سرکوبگرانه رژیم و شرایط فوق دشواری که سازمان شاداران مبارزه را پیش می برد واقفیم..." در پیام حزب کمونیست بریتانیا از مبارزه فداییان برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و سرنگونی رژیم ضد خلقی خمینی پشتیبانی شده است.

فیلیپین

بهمناسبت ۱۹ بهمن به کوشش هواداران سازمان در فیلیپین، مراسمی در گرامیداشت ۱۶ سال مبارزه انقلابی فداییان خلق در راه استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم، در شهر مانیل برگزار گردید.

حضور میهمانان برجسته ای از حزب کمونیست فیلیپین و دیگر نیروهای انقلابی این کشور در مراسم مانیل، جلوه های تابناکی از پیوندهای رزمجریانه را بازتاب می داد. مراسم این روز با قرائت بیانیه هواداران سازمان در فیلیپین آغاز شد که با استقبال شرکت کنندگان مواجه گردید. در پی آن یک رفیق هوادار حضار را در جریان اوضاع ایران طی سال گذشته قرار داد. سپس نماینده حزب کمونیست فیلیپین پیام کمیته مرکزی این حزب به فداییان خلق در فیلیپین را خواند. در این پیام بر "همبستگی مبارزاتی بین سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و حزب کمونیست فیلیپین" تاکید گردید.

ژاپن

شانزدهمین سالگرد اعلام موجودیت فداییان خلق روز ۲۱ بهمن در شهر توکیو پایتخت ژاپن با حضور گروهی از ایرانیان مترقی و نمایندگان از نیروهای پیشرو و ضد امپریالیست ژاپن جشن گرفته شد.

در ابتدای این اعلام برنامه، شرکت کنندگان در جشن بیاخاستند و به احترام فرزندان به خون خفته خلق برای یک دقیقه سکوت کردند. سپس پیام کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به اعضا و هواداران در حالیکه روح همبستگی انترناسیونالیستی سراسر سالن جشن را فرا گرفته بود، خوانده شد و بدنبال آن پیام های همبستگی سازمان مترقی "شیزو - اوندو"، جناح چپ حزب سوسیالیست ژاپن، شورای ضد بسب های اتمی و میدروژنی توسط نمایندگان آنها قرائت شد. در همه

سخنرانان این جشن نمایندگان حزب توده ایران، حزب دمکراتیک خلق افغانستان، حزب کمونیست عراق و کنگره ملی آفریقا در بریتانیا بودند که در سخنرانی های خود ضمن محکوم کردن سیاست های جنایتکارانه جمهوری اسلامی، نبرد فداییان خلق برای تحقق خواستهای صلح طلبانه، آزادیخواهانه و عدالت پژوهانه مردم ایران را مورد پشتیبانی قرار دادند. در فواصل سخنرانی ها گروه های هنری ایرانی و خارجی منجمه گروه موسیقی کنگره ملی آفریقا فضای جشن را لبریز از شور انقلابی و امید به فردای پیروزی کردند.

به مناسبت برگزاری جشن سالگشت بنیانگذاری سازمان از سوی حزب کمونیست جدید بریتانیا، حزب مترقی خلق گایانا، شورای صلح بریتانیا، شورای همبستگی فیلیپین، شورای اتحادیه های کارگری منطقه بریتانی و کمیته دفاع از حقوق مردم ایران پیامهای شادباشی به برگزار کنندگان جشن ارائه شد.

در این جشن سه نمایشگاه درباره فرهنگ و شیوه زندگی خلق های ایران، پیامدهای جنگ طبلی رژیم و همچنین موقعیت زنان در جامعه ایران، در جوار محل برگزاری مراسم برپا شده بود که مورد توجه بسیار مدعوین قرار گرفت.

سخنرانی های نماینده جنبش صلح فیلیپین، سازمان دمکراتیک جوانان فیلیپین، هواداران حزب توده ایران و هواداران سازمان آزادیبخش فلسطین بخش های دیگری از این مراسم را تشکیل می داد. در این سخنرانی ها سیاست های ضد خلقی و ضد میهنی رژیم خمینی بشدت محکوم شد و سخنرانان همبستگی خود را با سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع اعلام نمودند.

کنندگان در این مراسم با امضای بیانیه ای در همبستگی با خلق ایران نفرت بی کران خویش را از جنایات رژیم فقها اعلام نموده، حمایت خود را از پیکار مردم ایران در راه سرنگونی جمهوری اسلامی بیان داشتند.

در این بیانیه آمده است: "ما اعضا کنندگان، سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی علیه نیروهای انقلابی و زندانیان سیاسی و نیز ادامه جنگ ارتجاعی را محکوم می کنیم. ما از دو دولت ایران و عراق می خواهیم که بی درنگ به جنگ پایان دهند."

این پیام ماعیق ترین احساسات دوستی با فداییان و انزجار از رژیم پلید خمینی موج می زد.

ادامه جشن با سخنرانی های نماینده انجمن دوستی ژاپن - افغانستان و یکی از اعضای رهبری سازمان "کشتی صلح" که بخشی از جوانان صلح دوست و دمکرات ژاپن در آن گرد آمده اند، همراه بود. سخنرانان ضمن محکوم کردن سیاست های جنگ افروزانه و ضد دمکراتیک ارتجاع حاکم بر ایران خواهان برقراری فوری صلح و آزادی زندانیان سیاسی میهن ما شدند.

بخش بعدی برنامه جشن در پی یک وقفه نیم ساعته با پرسش و پاسخ در باره تاریخچه سازمان و مواضع کنونی آن ادامه یافت.

جشن فداییان خلق در ژاپن با امضای متنی در اعتراض به ادامه جنگ و اختناق در ایران پایان یافت.



صحنه ای از جشن بزرگداشت شانزدهمین سالروز بنیانگذاری سازمان در ژاپن

برنامه جشن را تشکیل می داد. وی در سخنرانی خویش پشتیبانی حزب خود را از مبارزات مردم ایران اعلام کرد و بر همبستگی حزب کمونیست بلژیک با فداییان خلق تاکید ورزید.

در مراسم پیامهای هواداران حزب توده ایران - بلژیک، حزب کمونیست عراق - بلژیک، حزب کمونیست شیلی - بلژیک و حزب کمونیست ترکیه - بلژیک نیز قرائت گردید.

در بخش هنری جشن شانزدهمین سالروز تولد فداییان خلق در بلژیک آوازه های از شیلی، ترکیه و سرودهایی از ایران خوانده شد.

این جشن با قرائت تاریخچه سازمان و امضای اعتراضیه ای از سوی احزاب شرکت کننده پایان یافت. متن اعتراضیه مزبور در همین شماره نشریه به چاپ رسیده است.

بلژیک

روز یکشنبه ۲۶ بهمن شانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با حضور جمعی از هواداران سازمان و ایرانیان مترقی و میهمانان خارجی در محیطی سرشار از احساسات میهن پرستانه و انترناسیونالیستی برگزار شد.

برنامه این جشن با خوشامدگویی به میهمانان و اجرای سرود انترناسیونال آغاز گشت. سپس پیام سازمان بهمناسبت ۱۹ بهمن بزبان های فارسی و فرانسوی قرائت شد که با استقبال حاضرین روبرو شد. سخنرانی نماینده حزب کمونیست بلژیک بخش دیگری از



"اکثریت" در شماره‌های اخیر خود با درج مقالاتی، جنبه‌هایی از روند نوسازی زندگی در اتحاد شوروی را بازتاب داده است. برای دستیابی به درک روشن‌تری از این روند و اهمیت آن، در این شماره بخشهایی از مصاحبه روزنامه "عصر ما"، ارکان حزب کمونیست آلمان را با پروفیسور وادیم زاگلا دین، عضو کمیته مرکزی و معاون اول شعبه روابط بین‌المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح. ک. ا. ش) درج می‌کنیم.

بخشهایی از مصاحبه وادیم زاگلا دین، عضو کمیته مرکزی و معاون اول شعبه روابط بین‌المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی با روزنامه "عصر ما"،

می‌خواهیم از امکانات سوسیالیسم منظور کامل بهره‌گیریم

*آباد ریلنوم ژانویه ح. ک. ا. ش چرخش به

وقوع پیوست؟

*آری ونه. باید این پلنوم را در چارچوب کلی‌تری دید. پلنوم آوریل ۱۹۸۵ مهمترین وجوه سمت‌گیری سیاست نوین را که متوجه تکامل بخشیدن به سوسیالیسم و تسریع رشد اجتماعی-اقتصادی کشور است، تدوین کرد. نکته ۲۷ استراتژی شتاب بخشیدن به رشد راتصویب و مهمترین وظایف را برای برنامه پنج‌ساله و نیز برای دوره زمانی تا سال ۲۰۰۰ تعیین نمود. پلنوم ژانویه، روشهای تحقق این استراتژی را تعیین کرد.

همانگونه که گارباجف در مصاحبه مطبوعاتی خود در مسکو گفت، وظیفه پلنوم این بود که نظری و سیاست نوسازی را تدوین کند. در این رابطه، بیشترین اهمیت را تکامل دیمکراسی در اقتصاد، در سیاست و در خود حزب دارد.

وظایف بسیار مبرم

*چرا مسئله فعال کردن انسانها، مسئله

دیمکراسی امروز با این تاکید مطرح شده است؟

*زیرا در برابر همه بشریت و در برابر خلق ما وظایف بسیار مبرمی قرار دارند. سخن بر سر آن است که در وهله اول خطر کاملاً واقعی نابودی بشریت دفع شود. سخن بر سر آن است که نظام مناسبات بین‌المللی با ساختار نوین جامعه جهانی که به تدریج شکل گرفته است، تطبیق یابد. سخن بر سر توجه به امکانات و چشم‌اندازهایی است که بر اثر انقلاب علمی-فنی گشوده می‌شوند. و بالاخره سخن بر سر حساب آوردن نیازها و خواستههای نوین انسانها و تضمین بسیار گسترده‌تر حقوق آنها، که البته حق زندگی در راس آن قرار دارد، است.

*در کشور ما (آلمان فدرال) اغلب این تصور

ترویج می‌شود که پلنوم ژانویه نوعی تسویه حساب با گذشته بوده است.

*این، بی‌ربط است. هدف ما به هیچ عنوان تسویه حساب نیست، نه با افراد و نه به طور کلی با گذشته. هدف ما اجرای وظایف حال و آینده است. اما برای تعیین راه آینده می‌بایستی آنچه در سالهای گذشته انجام شده بود، دقیقاً تحلیل می‌گردید. در

فاکتها درست می‌گفته‌اند. اما به هیچ وجه همه چیزهایی که منتقدین در آن زمان درباره ما می‌گفتند، درست نبود. بسیاری از آنها، حقیقت را واژگونه جلوه می‌داد. به ویژه نتیجه‌گیریهایی که می‌کردند، نادرست بوده و هستند، قبل از همه این نتیجه‌گیری که سوسیالیسم شکست خورده و ناموفق از کار درآمده است. سوسیالیسم به هیچ وجه شکست نخورده است، بلکه دقیقاً سوسیالیسم است که به ما امکان می‌دهد به مسائل موجود پرداخته و با کامیابی استوار پیش رویم.

*چهره روند دیمکراتیزه کردن که ح. ک. ا. ش در پیش گرفته است، چیست؟ آیا این بدان معناست که دیمکراسی سوسیالیستی تاکنون در اغلب موارد تنها روی کاغذ وجود داشته است؟

*دیمکراسی سوسیالیستی در کشور ما بطور قطع تازگی ندارد و مانند هر چیز دیگری رشد تاریخی خود را طی کرده و یک روند است. تردیدی نیست که از همان هنگام انقلاب اکتبر در کشور ما یک نظام دیمکراتیک نوین، نظام سوسیالیستی، ایجاد شد که بر اصول مشارکت همگان در امور دولت استوار است و دارای کیفیت دیگر و بالاتری در قیاس با دیمکراسی بورژوازی است. در این مقایسه تنها کافی است مناسبات مالکیت و قدرت را در نظر بگیریم.

اما روشن است که خصلت و نیز موازین بکارگیری این یا آن معیار دیمکراتیک در زمانی که مثلاً جامعه در اکثریت خود از انسانهایی تشکیل می‌شد که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند با زمان حاضر که تقریباً همه کارکنان تولید دارای تحصیلات متوسطه و عالی هستند، باید متفاوت باشد. همچنین روشن است که موازین و خصلت تحقق معیارهای دیمکراتیک در سالیان جنگ و دوره بازسازی پس از جنگ و دوره حاضر، که دوره تحول طولانی صلح آمیز است نیز باید بایکدیگر متفاوت باشد.

در حال حاضر در کشور ما شرایط گسترده‌ای برای تعمیق اساسی اصول دیمکراتیک ما ایجاد شده است، شرایطی که به وجود تحصیلات عمومی، فرهنگ جامعه و از جمله فرهنگ سیاسی، و نیز پیش شرطهای اجتماعی مربوط می‌شود.

بقیه در صفحه ۱۲

چارچوب این تحلیل ما در وهله اول نتایج مثبت عظیمی را که در گذشته به دست آمده است، مورد تاکید قرار می‌دهیم. تنها ظرف هفت دهه دولت ما از یک کشور عقب مانده در رشد خود، به دومین قدرت صنعتی جهان تبدیل شد. در ۲۵ سال گذشته نیز در رابطه با حل مسائل اقتصادی و نیز مسائل سیاسی راهی طولانی طی شد. ما به آنچه کرده‌ایم می‌بایست می‌کنیم، مثلاً به این که در سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۵، درآمد ملی چهار برابر و تولید صنعتی پنج برابر گردید.

در عین حال ما به هیچ وجه به آنچه کرده‌ایم، اکتفا نمی‌کنیم. ما می‌بینیم که در دوره اخیر، به ویژه در سالهای هفتاد، در حل یک جنبه مسائل مهم اقتصادی و اجتماعی عقب مانده‌ایم. در اتخاذ تدابیری برای تکامل بخشیدن به ساختار اقتصاد و روشهای مدیریت آن در انطباق با الزامات انقلاب علمی-فنی کوتاهی شد. ما نتوانسته‌ایم توان بالقوه نظام سیاسی سوسیالیسم را به طور کامل به کارگیریم و نشان دهیم. در نتیجه، در آستانه آغاز دهه ۸۰ آهنگ پیشرفت کشور ما کند شد.

*اما با وجود ارزشی که برای دستاوردها فائول می‌شوند، در حال حاضر این انتقاد است که در مباحث عمده شده است...

*برای این امر دو دلیل وجود دارد. نخستین علت آن، این است که ما بدون یافتن ریشه‌ها و خصلت مسائل موجود با دقت مطلق، نمی‌توانیم بر آنها چیره شویم. البته باید تاکید کرد هر عنصر ارزیابی انتقادی ما همراه با نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادها، مشخصی است که هدف آن غلبه بر مشکلات ایجاد شده است.

علت دوم، آن است که ما در آینده نیز اگر نتوانیم انتقاد و انتقاد از خود را در بررسی همه اعمال خود در جامعه به کرسی بنشانیم و تحکیم کنیم، با موفقیت پیش نخواهیم رفت. در برخورد نقادانه است که تضمین عدم تکرار اشتباهات گذشته نهفته است. ما انتقاد و انتقاد از خود و علینیت را مهمترین شیوه‌ها برای افزایش بازدهی سیاست خود می‌دانیم.

*منتقدین بورژوازی اتحاد شوروی امروز می‌گویند: پس مادر گذشته حق داشتیم...

*خوب، ممکن است در نشان دادن برخی

زن در مذاهب

آگوست ببل، رهبر برجسته جنبش کارگری آلمان در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، در کتاب مشهور خود بنام "زن و سوسیالیسم" که بی‌تردید یک اثر مهم کلاسیک مارکسیستی در باره مسئله زنان است، فصلی را به بررسی مقام و موقعیت زن در مذاهب مختلف اختصاص داده است. از جمله، ببل مقام زن را در مذاهب یهودی و مسیحی بررسی می‌کند. در مطالعه جایگاه زن در اسلام، توجه به برخورد مذاهب مزبور به زنان حاضر اهمیت است، زیرا قوانین، آداب و سنن اسلامی بطور عمده ریشه در دین و مذهب یهودی و مسیحی دارد و با تلفیق عناصری از این دو مذهب با میراث اقوام عرب شکل گرفته است. از این رو بخشی از کتاب "زن و سوسیالیسم" ببل را که به نقش زن در مذهب یهودی و مسیحیت می‌پردازد، در زیر می‌آوریم.

... مسیحیت برای زن تمرینکی به بار نیاورد. در آموزشهای مسیحیت همان تحقیر زن که در همه مذاهب شرق وجود دارد، دیده می‌شود. مسیحیت به زن دستور می‌دهد فرمانبر مطیع مرد باشد. امروز نیز زن باید در برابر محراب سوگند فرمانبرداری از مرد را ادا کند.

ببینیم تورات و انجیل و مسیحیت در باره زن و ازدواج چه می‌گویند.

ده فرمان عهد عتیق تنها خطاب به مرد است. در فرمان نهم، زن همراه با خدمتکاران و حیوانات خانگی مورد اشاره قرار می‌گیرد. به مرد هشدار داده می‌شود که مبادا چشم طمع به زن، شوکر، کلفت، گاوشر، خروسایر اموال مرد دیگر بدورزد. بنابراین، زن یک شیئی و مالی است که هرگاه در اختیار مردی باشد، مرد دیگر نباید بدنبال دست یافتن به او باشد. عیسی پیرو فرقه‌ای بود که خویشتن‌داری اکید و خود عقیم‌سازی پیشه می‌داشت. ... پاولوس، که حتی می‌توان پیش از عیسی او را بنیانگذار مسیحیت

نامید، کسی که به مذهب مسیح خصلت بین‌المللی داد و آنرا از چارچوب محدود فرقه‌گرایی یهود بیرون آورد، در نامه‌ای به قرناطه می‌نویسد: "در باره آنچه به من نوشته بودید، چنین پاسخ می‌دهم: برای انسان، نیک آن است که هیچ زنی را لمس نکند. اما به خاطر وجود فحشاء، بگذار هر مرد، زن خود را و هر زن، مرد خود را داشته باشد. ... ازدواج، امری پست است، زن خواستن خوب است، زن نخواستن بهتر است. ... روح خود را دگرگون سازید و در برابر آمال جسم مقاومت کنید. جسم دشمن روح و روح دشمن جسم است. ... این نفرت از جسم، نفرت از زن، و در عین حال هراس از زن است، زنی که او را بعنوان فریب دهنده مرد نشان می‌دهند (رجوع کنید به داستان بیرون راندن آدم از بهشت). آموزش حواریون و بنیانگذاران کلیسا با همین روح بود. بر عملکرد کلیسا در قرون وسطی همین روح حاکم بود. کلیسا بود که صومعه‌ها را به وجود آورد و ازدواج را برای کشیشان ممنوع کرد. کلیسا هنوز طبق همین روح عمل می‌کند.

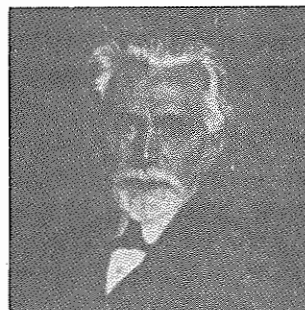
زن در مسیحیت ناپاک است، حيله‌گری است که بنیان‌گناه را در

جهان گذاشت و مرد را به خاک سیاه نشاند. از این رو حواریون و پدران کلیسا به ازدواج همواره به مثابه یک سیه‌روزی ناگزیر می‌نگریستند، یعنی با همان دیدی که امروز در باره فحشاء وجود دارد. ترتولیان می‌گوید: "ای زن، تو همواره باید عزادار باشی و لباس ژنده بپوشی، چشمانت باید پر از اشک و نگاهت مملو از پشیمانی باشد، تا گناه تودر بدبخت کردن نسل بشر فراموش گردد. ای زن، تودروازه جهنمی! "و نیز: "باید بی‌زنی پیشه ساخت، حتی اگر نسل بشر منقرض گردد." هیرونیوس می‌گوید: "ازدواج همواره یک گناه است. تنها کاری که می‌توان کرد، این است که از بابت این تقصیر عذر خواست و کفاره آن را داد. ... اوریشن می‌نویسد: "ازدواج امری نامقدس و ناپاک و ابزار گناه است." خود او برای مقاومت در برابر وسوسه، خود را عقیم ساخت. ... می‌توان صدها نقل قول دیگر از پر نفوذترین آموزگاران کلیسا برشمر که همگی در همین جهت آموزش می‌دهند. پدران کلیسا با آموزشها و موعظه‌های خود، نظراتی در باره مسائل جنسی و رابطه دو جنس رواج دادند که با طبیعت مغایرت یافته در صفحه ۱۴

آگوست ببل

واثر بزرگش

"زن و سوسیالیسم"



آگوست ببل (متولد ۱۸۴۰ در کلن آلمان، متوفی به سال ۱۹۱۳ در پاسوک سوئیس) از میتمرین رهبران سوسیال دمکراسی انقلابی اروپا بود. وی در طول بیش از چهار دهه، با فعالیت خویش تاثیر عمده‌ای در گسترش نفوذ حزب سوسیال دمکرات آلمان و تبدیل آن به یک حزب توده‌ای مارکسیستی در اواخر قرن نوزدهم داشت.

ببل از سالهای جوانی که به کارگری اشتغال داشت، با رهبران برجسته سوسیال دمکراسی مانند ویلهلم لیبنکشت آشنا شد و به مطالعه آثار مارکس و انگلس پرداخت. او در سال ۱۸۶۶ به "سازمان بین‌المللی کارگران" (بین‌الملل اول) پیوست و در سال ۱۸۶۷ نخستین کارگری بود که

به عضویت پارلمان شمال آلمان انتخاب شد. وی از ۱۸۸۱ تا ۱۸۹۰ عضو پارلمان ایالت ساکسونی بود. ببل در سال ۱۸۶۷ به ریاست "اتحادیه انجمن‌های کارگری آلمان" برگزیده شد. وی در مبارزه با طبقه حاکم و علیه لاسالیانیسم (جریان مخالف مارکسیسم در جنبش کارگری) ضرورت تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر را دریافت و به اتفاق ویلهلم لیبنکشت حزب سوسیال دمکرات کارگران را بنیاد گذاشت. این حزب در سال ۱۸۶۹ ملی‌گتره‌ای در این‌ناخ تشکیل شد.

پس از ممنوع شدن فعالیت سوسیالیستها توسط بیسمارک، ببل خدمات بزرگی در سازماندهی فعالیت سوسیال دمکراتها و به کرسی نشاندن

استراتژی و تاکتیک انقلابی در جنبش کارگری آلمان انجام داد. وی در نظایها و مقالات خود میلیتاریسم را به زیر سؤال انتقاد می‌گرفت و موضع طبقه کارگر را در قبال جنگ و "دفاع از میهن" که بورژوازی پرچمدار آن بود، تشریح می‌کرد. ببل به علت فعالیت سیاسی خود، در مجموع به ۵۷ ماه زندان محکوم شد.

آگوست ببل یک نماینده برجسته پارلمان، یک سازمانده و سیاستمدار بزرگ و در عین حال مدافع فرزانه و پرشور جهان‌بینی مارکسیستی بود. وی در غنی‌تر کردن این جهان‌بینی نقش موثری داشت.

ببل در بکارگیری درک ماتریالیستی از تاریخ در تبیین پدیده‌ها در عرصه‌های مختلف کوشش پرشماری انجام داد. برخی از این عرصه‌ها عبارتند از: رابطه فرد و جامعه، توده‌ها و شخصیت‌ها در تاریخ، قانونمندی تحول اجتماعی، تشریح ریشه‌های اجتماعی و عملکردهای سیاسی ایدئولوژی‌های مختلف در جامعه بشری و نقد تاریخ نویسی، فلسفه و مذهب به مثابه اجزای ایدئولوژی ارتجاعی بورژوازی.

ببل نخستین اندیشه‌پرداز

مارکسیست بود که نقش زن را در صورتبندی‌های گوناگون اجتماعی در پیوند با یکدیگر و برپایه ماتریالیسم تاریخی بررسی و تشریح کرد. اثر بزرگ ببل به نام "زن و سوسیالیسم" حاصل این کار پژوهشی است.

کتاب "زن و سوسیالیسم" از هنگام انتشار (۱۸۷۹) تا مرگ ببل ۵۰ بار به زیر چاپ رفت و پس از اونیز به مثابه یک اثر مهم مارکسیستی بارها تجدید چاپ شده است.

فصل‌های مختلف کتاب "ببل" که به بررسی تاریخی نقش زن در ادوار گوناگون می‌پردازد عبارتند از: نقش زن در جامعه اولیه، مبارزه میان مادرسالاری و پدرسالاری، مسیحیت، زن در سده‌های میانه، فرماسیون، قرن هجدهم، بخش دیگر کتاب "زن در زمان حاضر نام دارد و شامل این فصل‌هاست: زن به مثابه یک جنس، ازدواج امروزی، تلاشی خانواده، خانواده به مثابه نهاد اقتصادی، چشم اندازهای ازدواج، فحشاء به مثابه نهاد اجتماعی اجتناب‌ناپذیر جهان بورژوازی، موقعیت شغلی زن، مبارزه زن برای تحصیل و موقعیت حقوقی زن.

روزی تو باز خواهی گشت

سرفراز...

آه ...

این قلب سرزمین منست

که ویرانست

این باره

با

ر

.

قلب تکه ایران

اینکه شکفته میشود

اینگونه

روی خاک

خون شهید و عاصی "میرزا" ست ...

ای "کوچک" بزرگ!

ای حجم استواری و شورش!

ای روح سرخ جنگ بیدار!

اینک تو از "سیا" ... *

سازت سیبا ... مجروح -

اینک تو از میان جنگل نریزیک

جنگل تمام خوابهای پیریشان را

در زمین رویشای هراسان

تفسیر کرده است ...

سرفراز

این روزها گذرانند

ای آرزوی روشن تعمیدی!

... ای حس اعتماد!

روزی تو باز خواهی گشت

سرفراز

روزی که نام شورش تو

روی لبان هر دریچه

شکفته است

روزی که آفتاب

از شرق چشم های تو

جاریست

آن روز در بر نیست

روزی که سنگ

سنگ

سنگ

این حماره * سنگی

این روزها گذرانند

این روزهای تلخ

توطئه

تکرار

این روزها که مثل ابر مشربون

افسرده در جسد یائسگی هاست

این روزها گذرانند

روزی تو باز خواهی گشت

سرفراز

ای دانه از سبز بهار!

- ای سبز گوار!

روزی تو باز خواهی گشت

از شهر های دور اساطیری

هزاره با توانل فریاد های خفته و غوغین

و سار

هدای آمدنت را

تا دور دشت های فراموش

می بسرد

روزی تو باز خواهی گشت

با کوله باری از غنای کلاسهای سرخ

با کوله باری از بوی لاله های پیریشان

- که از تبار عاشق لایلا هاست -

روزی تو باز خواهی گشت

سرفراز

روزی که آفتاب

از شرق چشم های تو

جاریست

این روزها گذرانند

این روزهای بند

بند

بند

این روزهای شوم ...

۲

این باره

بهاره

چیت؟

این چیت؟

چیت که اینگونه

می شکند

بر خاک؟

ای رنگت بزرگ!

ای واژه

واژه

واژه ای خون رنگ!

در تو چه جذبه ایست؟

در تو چه جذبه ایست

که خوشنشد

هر باسنداد

۵

ای واژه

واژه

واژه ای خون رنگ!

در لحظه های جاری پیوستن

در روزهای - سرخ توانستن

- بارها -

ما غرق گشته ایم

در جذبه "همیم کلامت"

ای واژه

واژه

واژه ای خون رنگ!

- انقلاب!

ای آخرین کلام ...

۶

ای آرزوی روشن تعمیدی!

ای سرخ پوش صبح مبارک!

ای آنکه از برای اساطیر

خشم خنق قوم مرا

فریاد میکی!

اینک تو از میان خون و

خاطره میآیی

اینک تو از میان جنگل نریزیک

با از ستیغ خشم "مهیار"

- این سوگوار همیشه

این پایدار بریش-

۷

این روزها گذرانند

این روزهای سخت

شربون

روزی تو باز خواهی گشت

روزی تو باز خواهی گشت

سرفراز

ای دانه از سبز بهار!

ای سبز گوار!

* سیاهگل - در زمان شاه سرتگون شده

این گونه چاپ شده بود.

(- که آستان کوچه روشن را

در پیست

از ما در بزم میدارد -)

در هیبت دلتین گامهای تو

خواهد ریخت.

و آنکاه

شعلی ز نور

شیر

و شادی

در شوکت غریب خیابان ها ...

ای ارتفاع عاطفه!

ای دوست!

در این شبان مرثیه

در این شبان هول

در این خواب غفنه و خاموش

(- که از زمین

گیاه فاجعه می روید -)

رنگین کمان روشن دستان را

بر این عقیق تیره

بر افراز

و آن حیأت خجسته و بالا را

در رهگذر بار

رها ساز.

۴

ای ارتفاع عاطفه!

ای دوست!

ای رنگت بزرگ!

باید نماز آخرمان را

در درج

یا فسرات

در بلخ

یا نشاید

بگزاریم

(و شاید هم -)

در رود بار خشم خروشان خونمان (۰۰۰)

در رود بار خشم خروشان خونمان

اینک

طنین بانگ مؤذن:

"حی! الی السلاخ"

آنک

نماز آخر

در درج

یا فسرات

یا ...

ای دوست!

مجدداً به دلیل کمونیست بودن!

شمرد:

- اعتقاد به کمونیسم جهانی

- توطئه برای براندازی دولت

آمریکا (!)

- عضویت در سازمان کمونیستی

- پخش نشریات کمونیستی و مجدداً

داشتن افکار کمونیستی

- زیر پا گذاشتن شرایط اخذ ویزا از

آمریکا، چرا که دستگیر شدگان

کمونیست بوده و با ذهن کمونیستی

وارد آمریکا شده اند.

در پایان کم مانده است چند بار

دیتر در فهرست این جرایم کبیره ذکر

کنند که: مجدداً به دلیل داشتن

افکار کمونیستی، کمونیست بودن و

مطابق با گزارشات تاریخ ۲۸ ژانویه ۸ نفر فلسطینی در آمریکا دستگیر شده اند. دستگیر شدگان از چند ماه پیش، تحت نظر مأمورین اف-بی-آی بوده اند. تلویزیون ان-بی-سی در اخبار ساعت ۲۳ روز ۲۸ ژانویه "جرایم" زیر را برای دستگیر شدگان

این که بالاخره کمونیست هستند. همه جا وضع از این گونه است: ایران، عراق، کره جنوبی، پاکستان، آفریقای جنوبی، آمریکای لاتین و ... در همه جا جرایم یکسان است و بنحو اولی در "مهد آزادی"، چرا که تاج و تخت سرمایه را در خطر می بینند، چرا که نوکران سرمایه اند.

اسقف کلاهدردار و عجز دادستان

برای نخستین بار در تاریخ ایتالیا، حکم بازداشت یک اسقف کلیسای کاتولیک صادر شد. اسقف پل مارچینکوس رئیس بانک واتیکان از جانب دادگستری ایتالیا به علت کلاهبرداری تحت تعقیب قرار گرفته است.

بانک واتیکان که نام رسمی آن "سازمان موسسات مذهبی" است، از سالها پیش در محافل مالی بین المللی به علت معاملات مشکوک و بعضا غیر قانونی این بانک شهرت سویی کسب کرده است. چندی پیش گزارشهایی حاکی از دخالت این بانک در خرید و فروش اسلحه و بورس باز، در بازار ارز منتشر گردید. ماجرای که به آغاز تحقیقات

دادستانی میلان پیرامون معاملات بانک واتیکان انجامید، ورشکستگی به تقصیر یک بانک در میلان بود. این بانک در پیوند تنگاتنگ با بانک واتیکان، در معاملات بین المللی ارز دست به کلاهبرداری و سرکشیه کردن بانکهای دیگر زده بود. روبرتو کالوی رئیس این بانک در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۲ بطور مرموزی در لندن به قتل رسید. جسد وی را در حالیکه از یک پل حلق آویز شده بود یافتند.

دادستانی میلان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که اسقف مارچینکوس باید در ارتباط با این ماجراهای مافیایی تحت تعقیب قرار گیرد. اما آنجایی که قلمرو واتیکان آغاز می شود، دادگستری

ایتالیا عاجز و ناتوان است. پلیس ایتالیا به منزل اسقف کلاهدردار در رم مراجعه کرد اما وی را در آنجا نیافت. گفته می شود اسقف مارچینکوس در خاک، واتیکان که ۴۴ هکتار وسعت دارد به سر می برد. طبق قراردادهایی که میان واتیکان و دولت ایتالیا منعقد گردیده، پلیس ایتالیا اجازه تعقیب افراد در محوطه واتیکان را ندارد.

پاپ، کاردینال ها و اسقف هایش که طبق ایدئولوژی رسمی کلیسای کاتولیک، کارگزاران خدا بر روی زمین محسوب می شوند، البته بالاتر از قوانین بشری قرار دارند و اگر هم دست به جرایمی نظیر دزدی، کلاهبرداری و حتی قتل بزنند، "دادستانان زمینی" در برابر این "مجرمین آسمانی" عاجز و ناتوانند.



تابلوی "بالهای مادر" اثر گ. واشچنکو

امتیازات ویژه ای ایجاد کرده اند و حاضر نیستند از آنها چشمپوشی کنند.

ما پنهان نمی کنیم که راهی که انتخاب کرده ایم آسان نیست. اما اطمینان داریم که از آزمونهایی که در پیش است، سر بلند بیرون خواهیم آمد. ما موفق خواهیم شد، زیرا رهبری حزب و کشور تصمیم راخ دارد کار آغاز شده را ادامه دهد. ما موفق خواهیم شد، زیرا این کار از پشتیبانی همه جانبه مردم برخوردار است. این مردمان که از ما می خواهند پیشروی در این مسیر را تسریع کنیم. ما از این رو موفق خواهیم شد که در کشور ما مبنای مطمئن اجتماعی-اقتصادی ای که به ما امکان چیره شدن بر مسائل موجود را بدهد، وجود دارد.

توصیه به "پلورالیسم"

* برخی سیاستمداران بورژوازی از روند نوجازی به نیت خرد استقبال می کنند. ...
* ما با این گونه نظرات از طریق مطبوعات آلمان غربی آشنا هستیم. آنها می گویند مادر صوری که از مالکیت اجتماعی و برنامه ریزی مرکزی چشم پوشی نکنیم، نخواهیم توانست مسائل خود را حل کنیم. به ما توصیه می کنند "پلورالیسم" پیشه سازیم و یک اپوزیسیون سیاسی ایجاد کنیم. توصیه می کنند از نقش حزب به مثابه نیروی رهبری کننده جامعه دست بکشیم.

ما به هیچ یک از این "توصیه ها" عمل نخواهیم کرد. از یک سوسیالیسم، یعنی مالکیت اجتماعی، اداره متمرکز اقتصاد، دموکراسی ما و نقش رهبری حزب آن عواملی هستند که دستاوردهای عظیم هفتاد سال پس از انقلاب اکتبر را امکان پذیر ساخته اند. این برای ما بزرگترین درس است، و ما آن را کاملاً به حساب می آوریم. از سوی دیگر معتقدیم سوسیالیسم هنوز به هیچ وجه همه امکانات خود را به بالفعل تبدیل نکرده است. این امکانات، عظیمند. ما وظیفه خود می دانیم به جای آنکه از سوسیالیسم دست بکشیم، آن را تکامل بخشیم و از امکاناتش بگونه ای کامل بهره گیریم.

* قرار است کار دستگاه اداری بهبود یابد. فعالیت ما در این رابطه دوست اصلی دارد. دستگاه دولتی باید صرفاً بعنوان ابزار اجرای اراده ارگانهای منتخب قدرت تکامل یابد. از سوی دیگر، باید کنترل از پایین، توسط شهروندان، در مورد فعالیت دستگاه اجرایی تقویت شود. در این رابطه، از جمله، طرح قانونی درباره مسئولیت ارگانهای اداری و ماموران در مورد نقض احتمالی حقوق شهروندان در دست تدوین است.
* قرار است علاوه بر این تدابیری جهت گسترش علنیت و بحث عمومی و رشد انتقاد و انتقاد از خود اتخاذ شود. مقررات قانونی بیشتری وضع خواهد شد که از یک سو از همه موارد پیگرد به دلیل انتقاد جلوگیری کند و از سوی دیگر مسئولیت انتقاد کننده را در قبال عادلانه و مستدل بودن انتقاد افزایش دهد.

* تغییرات در چگونگی انجام انتخابات در حزب توجه زیادی را به خود معطوف کرد. ...
* تحکیم میانی دموکراتیک در زندگی جامعه باید قبل از همه خود حزب را دربرگیرد. تصمیمات دایر بر تکامل بخشیدن به انتخابات ارگانهای رهبری، بر این امر مبتنی است. رای گیری مخفی تا پیش از این نیز در حزب ما انجام می گرفت، اما نه در همه سطوح. از این پس رای گیری در همه سطوح مخفی خواهد بود.

* در اینجا مطالب بسیاری درباره مقاومت علیه مشی نوین می خوانیم. آیا چنین مقاومتی وجود دارد؟

* ما به صراحت می گوئیم که چنین مقاومتی وجود دارد. سخن بر سر مبارزه ای سیاسی نیست، زیرا هیچ کس در کشور ما نمی خواهد قدرت شوری را از میان بردارد. اما کسانی وجود دارند که نمی خواهند به شرایط جدید عادت کنند. کسانی هستند که بر آنها عادت ها و کرایشهای محافظه کارانه حاکم است. و بالاخره هستند کسانی که برخلاف قانون برای خود

می خواهیم از امکانات...

بقیه از صفحه ۱

از سوی دیگر حل مسائلی که اکنون جامعه با آن مواجه است و به هیچ عنوان ساده نیست، بدون ادامه رشد دموکراسی سوسیالیستی غیر ممکن است. آن اشکال و شیوه های اعمال قدرت خلق که مشخص دوره های گذشته در رشد کشور ما بود، دوره هایی که در آن اصل هدایت متمرکز می بایستی بر اصل دموکراسی مقدم شده می شد، امروز کفایت نمی کند. حداکثر دموکراسی نه صرفاً یک شعار، که جوهر دگرگونی است. تحقق موفقیت آمیز برنامه همه جانبه ما تنها زمانی ممکن است که گسترده ترین مشارکت زحمتکشان در امور تضمین شده باشد. دقیقاً از همین رو پلنوم ژانویه نیروی خود را بر تدوین نظامی از اقدامات متمرکز کرد که هدف آنها کمک به گسترش دموکراسی سوسیالیستی و تعمیق خودگردانی خلق است. هدف ما دستیابی به مشارکت بسیار فعالتر و غیر صوری شهروندان در تصمیم گیری پیرامون همه مسائل زندگی جامعه است.

گسترش دموکراسی

پلنوم، این تدابیر را بررسی و تصویب کرد:

* دموکراسی در عرصه تولید با بکارگیری خودگردانی تعمیق خواهد یافت. طرح قانون موسسات دولتی که اینک منتشر شده است، از جمله پیش بینی می کند که به کلکتیوهای کار و شوراهای آنها اختیارات همه جانبه ای داده شود. از این پس مدیران موسسات در همه سطوح انتخابی خواهند بود.
* قرار است تکامل بخشیدن به نظام انتخابات به مورد اجرا گذاشته شود. هدف، دادن این امکان به انتخاب کنندگان است که با بازدهی بیشتری در روند انتخابات، یعنی در تمام مراحل آن، شرکت جویند. هدف همچنین آن است که امکان انتخاب میان چند نامزد به وجود آید.

زن در مذاهب

بقیه از صفحه ۱۱

دارد... جامعه امروزه نوز به سختی از این آموزشها رنج می برد و زخمهای ناشی از آن را هنوز مداوانده است. پطروس با تاکید می گوید: "ای زنان، از مردان خود اطاعت کنید... مرد، سرور زن است، همانگونه که مسیح، سرور کلیسا است... زنان شما باید در جمع سکوت پیشه کنند، زیرا آنها را نباید رخصت تکلم باشد. آنان می گویند... به زنان برآورده نیست که در جمع سخن بگویند." توماس آکین مقدس (از بزرگترین نظریه پردازان کلیسای کاتولیک که از ۱۲۲۷ تا ۱۲۷۴ میلادی می زیست) می گوید: "زن، علف هرزی است که به سرعت رشد می کند. زن انسان ناکامی است که بدن او تنها از این روزودتر به رشد کامل می رسد که کم ارزش تر است و طبیعت کمتر به آن می برد از... زنان زاده می شوند تا همواره در زیر یوغ آقا و صاحب خود باشند، اربابی که طبیعت با برتری ای که از هر جهت به مرد اعطا کرده، او را بر زن تسلط بخشیده است."

چنین آموزشهایی تنها مختص مسیحیت نیست. همانگونه که مسیحیت آمیخته ای از مذهب یهود و فلسفه یونانی است و همانگونه که هر دو ریشه در تمدنهای قدیمی ترهند، بابل و مصر دارند، موقعیت پست تری که مسیحیت برای زن قائل بود نیز در تمامی جهان متمدن پس از پایان مدارسلاری وجود داشت. مثلا در کتاب قانون مانوی هند آمده است: "ریشه بی شرافتی زن است، سرچشمه دشمنی زن است، علت زندگی دنیوی زن است. پس باید از زن اجتناب کرد." علاوه بر تحقیر زن، هراس از زن به گونه ای بسیار ابتدایی بازتاب می یابد، مثلا در همان کتاب مانو آمده است: "زنان بنابر طبیعت خود میل به فریفتن مردان دارند. از این رو یک مرد نباید حتی با نزدیکترین خویشان خود در یک مکان بنشیند." بنابرین، زن طبق عقاید مذهبی هند، عهد عتیق و مسیحیت، فریبکار است. هر مناسبات سلطه جویانه ای، همراه با تحقیر آنهایی است که تحت سلطه اند.

اینکه موقعیت زن امروز بهتر از هنگام پیدایش مسیحیت است، ریشه اش در مسیحیت نیست. مسیحیت تنها به ناکزیر و به سختی از موضع واقعی خود در مورد زن عقب نشست.

جمهوری اسلامی، جهنم واقعی زنان

بقیه از صفحه آخر

اکثر ادارات ماشین نویسی مرد استخدام کرده اند. در اداره های دولتی ویا تحت پوشش دولت به بهانه های مختلف از استخدام زنان خودداری می نمایند. برای خانه نشین کردن زنان از اقدامات جنبی همچون بستن مهد کودکها نیز استفاده می کنند. اکنون زنان مجبور هستند بیشتر در تولیدی های دوزندگی و کارگاه های دیگری از این قبیل به کار بپردازند. آنها با حدود ده ساعت کار طاقت فرسا بطور موقت ماهیانه ۲۵۰۰ تومان دریافت می دارند. بیشتر دختران جوان بعلت مشکلات اقتصادی خانواده مجبورند پس از کلاس ۴ یا ۵ ابتدایی ترک تحصیل کنند. در این زمینه تبلیغات رژیم علیه تحصیل زنان و دختران بسیار موثر است.

تعدد زوجات، این سنت بازمایه از قرون وسطا و اعصار پیشین رواج یافته است اما این امر در میان توده های مردم با نفرت مواجه شده است. در میان آبادی رژیم تعدد زوجات گسترده است. اکثر آخوندها و فرماندهان پاسداران و آیات و حجج اسلام هر کدام چندین زن رسمی دارند. رفسنجانی اخیرا دریکی از نمازهای جمعه در رابطه با تجمل پرستی و حرمسرداری خطاب به دیگر ملایان توصیه کرد پوشیده تر و در خفا عمل کنند. در مورد فساد این آقا یان چند مورد را ذکر می کنم. امام جمعه... که یکی از زنهای فامیل... را در بیمارستان دیده بود با وجود داشتن زنان دیگر پیغام فرستاد که می خواهم با تو ازدواج کنم و برای انجام اینکار به هزار ترفند و تدبیر متوسل شد. آن آخوندی که مدتی ریاست اداره سیاسی - ایدئولوژیک ژاندارمری کل کشور را برعهده داشت، چندی پیش با چندین ماشین پاسدار مسلح به خانه یکی از دوستانش که مدتی در خانه وی میمان بود وارد شد و تقریبا به زور دختر خوانده وی را برای ازدواج با خود برد. وی چند زن دیگر نیز دارد.

امام جمعه سوسنگرد حدود ۲ سال پیش به اعتبار عنوانش شب هنگام بدون عبا و عمامه وارد خانه زن یک "شهید" شد. با داد و فریاد زن همسایه ها به کمک آمده و آخوند مزبور را دستگیر کردند. پاسداران برای نجات جان امام جمعه از دست مردم که اندکی دیر وی را شناختند تلاش بسیاری

بخرج دادند. امام جمعه مزبور بعد اعازم قم شد. فقر و نیاز مالی و شرایط ایجاد شده توسط جمهوری اسلامی نمونه های متعددی از حوادث ناگواری همچون قتل زنان و دخترانی را باعث شده است که در پی برخوردهای متعصبانه بستگان آنان پدید آمده است. در شیراز جسد دختری که در پتو پیچیده شده بود در کنار خوابگاه جنگ زدگان پیدا شد. در کمپ جنگ زدگان ماهشهر چندین مورد جسد بیجان ویا سر بریده دخترانی یافت شد که توسط بستگان خود بقتل رسیده بودند.

رژیم وسیع فساد و فحشای رسمی را گسترش می دهد. بارها مسئولین حکومت از مراکز رسمی صیغه و ضرورت مراجعه زنان بی سرپرست به این مراکز سخن گفته اند. دوسال پیش در بسیاری از دبیرستان های پسرانه پرسشنامه ای توزیع شد که در آن سؤال شده بود که آیا نسبت به مساله صیغه نظر مثبت دارید یا نه؟

از طرف حکومت در شهرهای بزرگ مراکزی به نام بنیاد کوثر ویا بنیاد فرجی تشکیل شده است که زنان شوهر مرده و بی سرپرست، بخصوص همسران کسانی که در جبهه ها کشته می شوند در آنها ثبت نام میکنند. آخوندها و بازاریان "خیر و نیکوکار" برای "دلجویی و سرپرستی" آنان مراجعه می کنند. روال کار چنین است که صیغه محرمیت خوانده می شود و برای مدت معینی قرار دادی منعقد می گردد. دریک مورد افشاشد که یک آخوند حکومتی در یکی از شهرهای خراسان علاوه بر دوهسر رسمی خود حدود چهار نفر از این زنان هسر از دست داده را صیغه کرده بود. مردم نسبت به اینگونه اقدامات رژیم بدشدت ابراز انزجار می کنند.

در کنار اقدامات رژیم در گسترش فحشایک مورد هم از سببیت و جنایتکاری غیر قابل تصور این حکومت که موی را برتن انسان راست می کند ذکر می کنم. در کرمان می خواستند زنی را بچرم زنا سنگسار کنند. او را تا کمر در گودال فرو کردند و دور او را خاک ریختند. اراذل و اوباش پاسدار و کمیته چی برای انجام عمل سنگسار جمع شده بودند. تپه ای سنگریزه فراهم شده بود. زن با تلاشی که می کرد تا از ضربات سنگ ریزه ها رهایی پیدا کند از گودال نجات یافت. حتی مطابق همین قوانین

دوران جاهلیت می بایست زن را رها می ساختند. اما پاسداران جانی با بیل به جان او افتادند و سرش را به دو نیم کردند.

انبوه بی شمار زنانی که همسرانشان در جنگ کشته شده اند و یا به دست رژیم اعدام گشته اند زندگی غمبار و سختی را می گذرانند. یک زن روستایی که به تهران مهاجرت کرده و شوهرش در جنگ کشته شده بود را دیدم که با بچه ای در بغل زار زار گریه می کرد و می گفت چتونه باید زندگی خودم و این بچه را بگذرانم. شوهرش یک کارگر ساده بود. مسئولین بنیاد شهید به اومی گفتند چون ازدواج شما ثبت نشده است، پولی به تو تعلق نمی گیرد. آنهایی نیز که مقرری ناچیزی دریافت می دارند نیز گذران سختی دارند. فقدان عزیز از دست رفته شان در کنار شرایط سخت زندگی لیخنند شادی را از لبانشان محو ساخته است.

زنان در مبارزه با رژیم

در همه عرصه های نبرد علیه رژیم خمینی زنان دوشادوش مردان و پیشاپیش مبارزه گام برمی دارند. در صف های لوبل خواربار و ازاق عمومی علیه جمهوری اسلامی صورت می گیرد. اکنون صفا بصورت تشکلهایی درآمده اند که بحث های سیاسی و اجتماعی در آنها به گسترده گی انجام می یابد. در محله زنان دورهم جمع می شوند و در مورد مسائل جنگ، نیروهای سیاسی، آخوندها و تکبیت آنها که گریبانگر مردم شده است صحبت می کنند.

در ادارات و کارخانه ها نیز زنان همراه مردان و دوش به دوش آنان مبارزه می کنند. بطور نمونه در اعتصاب ذوب آهن اصفهان یکی از نمایندگان کارگران اعتصابی یک زن بود که در جریان اعتصاب توسط حکومت دستگیر شد. در تظاهرات خلق عرب خوزستان زنان وسیع شرکت داشتند و مردان را به شرکت در تظاهرات ضد جنگ زنان نقش تعیین کننده ای ایفا کردند. حمله زنان محله کوی نهم آبان به کمیته این محل برای آزادی دستگیرشدگان که به این تظاهرات آن ابعاد گسترده را بخشید نمونه بسیار برجسته ای است. در این میان باید بر نقش مادران و همسران زندانیان سیاسی نیز تاکید نمود. اقدامات آنان تاثیر قاطعی در افشای اقدامات رژیم در قبال فرزندان زندانی مردم داشته است.

همچد همپن کنگره سندیکاهاى شوروى

آغاز دور جدید مذاکرات
افغانستان و پاکستان

چهارشنبه هفته گذشته دور جدید مذاکرات افغانستان و پاکستان که تحت نظارت نماینده شخصی دبیر کل سازمان ملل متحد انجام می پذیرد، در ژنو آغاز شد. نخست قرار بود این دور از گفتگوها در روز ۲۲ بهمن آغاز گردد، اما مذاکرات برای مدت ۲ هفته به تعویق افتاد.

در آستانه آغاز این دور از مذاکرات، صاحب زاده یعقوب خان وزیر امور خارجه پاکستان برای دومین بار طی یک ماه به مسکو رفت و با مقامات اتحاد شوروی دیدار و گفتگو کرد. خبرگزاری شوروی تاس در تفسیری نوشت دور جدید مذاکرات افغانستان و پاکستان می تواند دورنمایی آن باشد. مقامات پاکستانی نیز اظهار داشتند تحول اوضاع "به سمت مثبت" است. خبرگزاری تاس در تفسیر خود خاطر نشان ساخت ایالات متحده علنا در مذاکرات ژنو خرابکاری می کند. بعنوان نمونه، همزمان با انجام این مذاکرات دولت آمریکا موشکهای ضد هوایی استیگر در اختیار ضد انقلابیون افغانی قرار داد.

دکتر نجیب دبیرکل حزب دمکراتیک خلق افغانستان در یک سخنرانی رادیویی از رهبران گروههای مخالف دعوت کرد به فراخوان رهبری افغانستان برای تشکیل یک دولت ائتلافی پاسخ مثبت بدهند. نجیب گفت: ما همه دروازه های افغانستان را باز می گذاریم تا در کشورمان صلح ایجاد کنیم و آماده ایم برای تشکیل یک دولت ائتلافی در افغانستان، با همه در داخل و خارج از کشور گفتگو نمائیم. "رهبر افغانستان با اشاره به سیاست مصالحه ملی دولت کابل افزود: "این سیاست از امکانات زیادی برخوردار است و یک موقعیت برای ملت و نمایندگان احزاب مخالف است تا همپن بازسازی شود."

در عین حال خبرگزاری باخترا افغانستان گزارش داد طبق اظهارات نجیب دبیر کل حزب دمکراتیک خلق افغانستان، پس از برقراری آتش بس یکجانبه از سوی دولت این کشور، حملات ضد انقلابیون گسترش یافته است. وی گفت رهبران گروههای ضد انقلابی متحد شده اند تا دعوت به صلح رهبری افغانستان را با خشونت پاسخ دهند. نجیب در ادامه این سخنان که آن را در مراسم افتتاح "مرکز پژوهشهای اسلامی" در کابل ایراد کرد، اظهار داشت افراطیون، حملات خود را به شهرها و روستاها سه تا چهار برابر کرده اند. وی تاکید ورزید مسببین اینگونه جنایات متحمل ضربات نابود کننده خواهند شد. طبق آمار دولت افغانستان، پس از اعلام سیاست مصالحه ملی تا کنون ۴ هزار زندانی که به دلیل اقدام علیه قدرت خلق محکوم شده بودند، آزاد گردیده اند.

هیئت رئیس شورای انقلابی جمهوری دمکراتیک افغانستان قانونی به تصویب رساند که به موجب آن، مدت خدمت زیر پرچم کاهش می یابد.

خبرگزاری باخترا گزارش داد به نوشته روزنامه حقیقت انقلاب ثور ارکان کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان، تاکنون بیش از ۱۵ هزار از افراد گروههای مخالف به فراخوان صلح دولت افغانستان پاسخ مثبت داده اند.

فرائر نخوامیم رفت. "رهبر شوروی اظهار داشت کشورش بدون فکر و بطور خود بخودی، از "آنچه امپریالیسم می خواهد در سابقه تسلیحاتی به ما تحمیل کند" پیروی نخواهد کرد.

گارباجف خاطر نشان ساخت علیرغم آنکه موقعیت جهانی همچنان خطرناک است، نشانه های چرخشی در فضای مناسبات بین المللی و در افکار عمومی که در حال شکل گیری است، دیده می شود. وی گفت کردهائی اخیر صلح در مسکو این امر را تایید می کند.

رهبر شوروی در بررسی دستاوردهای یک ساله گذشته در اتحاد شوروی ضمن تاکید بر اهمیت موفقیت ها گفت: "مهمترین و بنابر این پیچیده ترین وظیفه هنوز در برابر ماست. باید نوسازی را در عمل تحقق بخشید."

گارباجف با اشاره به پلنوم اخیر کمیته مرکزی موضع صریح دفتر سیاسی در مورد روند دگرگونی را چنین توضیح داد: "مرکزه خلق، که بیشترین نقش در نوسازی برعهده اوست، بطور کامل به روند نوسازی نپیوندد، این روند متوقف می شود. وی افزود "منه چیز باید تحت کنترل خلق قرار گیرد. بدین منظور تعمیق دمکراسی ضروری است. این است اندیشه اصلی پلنوم ژانویه. "دبیر کل حزب کمونیست شوروی گفت: "البته تعمیق دمکراسی امر ساده ای نیست. نباید از این امر که در آغاز همه چیز بدون اصطکاک، تذرد و نقاط خلل و ناموزونی هایی وجود داشته باشد، دچار هراس شد. مسئله این است: باید دمکراتیزه کردن و یا رکود اجتماعی و محافظه کاری، راه سومی وجود ندارد."

کنگره سندیکاهاى شوروی تغییراتی را در چگونگی اجرای انتخابات ارگانهای رهبری سندیکاها از تصویب گذراند. به موجب این تصمیم به منظور تعمیق دمکراسی در سندیکاها، از این پس برای انتخاب مسئولین و رهبران سندیکایی چند نامزد در معرض قضاوت شرکت کنندگان در نشست ها، کنفرانسیا و کنگره ها قرار خواهند گرفت.

سه شنبه گذشته همچد همپن کنگره سندیکاهاى اتحاد شوروی در مسکو با گزارش استپان شالیف، صدر شورای مرکزی سندیکاهاى شوروی گشایش یافت. در روز چهارشنبه میخائیل گارباجف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در این کنگره سخنانی ایراد کرد که بازتاب جهانی یافت.

گارباجف گفت: "ندای اتحاد شوروی برای صلح به همان نسبت که ما بتوانیم به خوبی و با موفقیت به وظایف داخلی خود عمل کنیم، در عرصه بین المللی بلندتر و رساتر طنین خواهد افکند."

دبیر کل حزب کمونیست شوروی در رابطه با وظایف نوین سندیکاهاى این کشور خواهان آن گردید که این سندیکاها به مانعی در برابر اعمال مقاصد تکنوکراتیک در اقتصاد تبدیل گردند و بکوشند سمت گیری اجتماعی تصمیمات اقتصادی را به کرسی بکشاند. وی افزود سندیکاها باید مبارزه جویانه در راه رشد موزون تولید و حل مسائل اجتماعی بکوشند. گارباجف اظهار داشت: "باید مصمانه روحیه مبارزاتی سندیکاها را ارتقا داد و فرمالیسم، باند بازی، کاغذ بازی و بی شهامتی را در آنها ریشه کن ساخت. "رهبر شوروی از کوتاهی در فعالیت های سندیکاها در رابطه با یک سلسله مسائل بسیار مهم، مانند از میان بردن برابری مکانیکی در پرداخت دستمزد، انتقاد کرد.

میخائیل گارباجف تاکید کرد هر گام اتحاد شوروی در راه نوسازی، سوسیالیستی، "در عین حال یک پیروزی نیروهای صلح و ترقی و شکستی برای نیروهای تجاوز و میلیتاریسم" است.

به گفته گارباجف، در حال حاضر هدف امپریالیسم آن است که "از تحقق برنامه های نوسازی ماحلوگیری کند، در راه آنها مانع ایجاد کند، آهنگ آنها را کند سازد و به این روند به کمک مسابقه تسلیحاتی لطمه وارد آورد. "وی گفت اتحاد شوروی هر آنچه لازم است انجام داده است تا امنیت خود و متحدانش را تضمین کند، و افزود: "مادر آینده نیز چنین خواهیم کرد، اما یک گام نیز از چهار چوب الزامات و نیازهای دفاع در مقیاس محقول و کافی

اخبار کوتاه

* تلویزیون شوروی، در شامگاه روز شنبه ۲۸ فوریه بیانیه مهمی از میخائیل گارباجف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی پخش کرد که طی آن اعلام کردید اتحاد شوروی از این پس آماده است در مذاکرات خلع سلاح با آمریکا، پیرامون کاهش موشکهای میان برد در اروپا جداتانه و مستقل از سلاحهای فضایی و استراتژیک، گفتگو کند. در این زمینه، توافق میان دو کشور موجود است که در دیدار گارباجف و ریگان در ریکیاویک حاصل شد. این گام مسئولانه شوروی، بلافاصله پس از اعلام مورد استقبال گسترده جهانی قرار گرفت.

* برای نخستین بار پس از ۱۹ ماه، اتحاد شوروی یک آزمایش هسته ای در کاواختان انجام داد. این کشور در ماه اوت ۱۹۸۵ سلسله آزمایشهای هسته ای خود را به طور یکجانبه متوقف ساخت و آمریکا را فراخواند به این اقدام

بپیوندد. علیرغم تعدید مکرر مهلت پایان موراتوریوم شوروی، واشنگتن با بی اعتنائی به خواست جهانیان از هنگام قطع آزمایشهای شوروی، ۲۹ انفجار هسته ای انجام داد. در مسکو اعلام شد اتحاد شوروی همچنان آماده مذاکره پیرامون قطع آزمایشهای هسته ای است.

* یک مقام نظامی نیکاراگوئه اعلام کرد از آغاز سال جاری، میلادی تا کنون تنها در استانه های مرکزی باثوتو و کونتالس این کشور، ۳۱۷ ضد انقلابی در درگیری با ارتش ساندینیستی از پای در آمده اند.

* بدنبال انتشار گزارش کمیسیون سه نفره منتخب ریگان برای بررسی ماجرای "ایران گیت"، دونالد ریگن رئیس دفتر کاخ سفید و عالی رتبه ترین مشاور رئیس جمهور ریگان از سمت خود استعفا کرد.

بیانیه احزاب کارگری و کمونیستی کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک پیرامون نبرد در اردوگاه‌های لبنان

احزاب کمونیستی و کارگری در کشورهای خاور میانه و خاور نزدیک در تاریخ ۸۶/۱۲/۵ با انتشار بیانیه‌ای حملات سازمان امل علیه اردوگاه‌های فلسطینی را محکوم کردند. در این بیانیه آمده است:

"ما شاهد تشدید نبرد خونین در اطراف اردوگاه‌های فلسطینی هستیم. نبردی که اثرات منفی عمیقی بر اتحاد نیروهای ملی لبنان و فلسطینی‌ها برجای می‌گذارد. این جنگ و خورشی در خدمت اهداف توطئه آمیز آنهایی است که خواهان تفرقه و دشمنی بین دولت برادر لبنانی و فلسطینی هستند... این جنگ خلاف منافع جنبش‌های بخش‌های عرب و بخصوص سوریه، انقلابیون فلسطین و نیروهای ملی لبنان است. این خونریزیها زمینه‌ساز توطئه‌های آمریکا و اسرائیل برای تحکیم موقعیت خود در منطقه و انعکاش طرح‌های سازشکارانه آمریکایی، اسرائیلی است.

اکنون اسرائیل و عوامل آن در لبنان از جنگ و خونریزی اطراف اردوگاه‌های فلسطینی شادمانند و در چنین موقعیتی می‌کشند تا حضور خود در جنوب لبنان را دائمی ساخته و از دستیابی به راه‌حلی که وحدت و تمامیت لبنان عربی را تأمین نماید و لبنان تحت اداره حکومتی ملی راه پیشرفت دموکراتیک را در پیش گیرد، مانعت نمایند.

احزاب ما خواهان آتش‌بس فوری و قطع جنگ توسط نیروهای امل هستند. ما می‌خواهیم تا سازمان امل حملات به اردوگاه‌های فلسطینی و محاصره آنها را قطع کند و از ارباب و تهدید فلسطینیان برای مجبور ساختن آنها به ترک خانه و گشاده خویش خودداری نماید. ما خواهان آنیم که با مذاکره و دستیابی به توافقنامه ملی و لبنانی-فلسطینی هر چه زودتر اوضاع آرام شده و به وضع سابق بازگردد.

احزاب ما تأکید می‌کنند که گفتگوی سیاسی تنها روشی است که زمینه را برای دستیابی به یک راه‌حل سیاسی مورد قبول هموار می‌سازد و نیروهای ملی لبنانی و فلسطینی را در مبارزه مشترک علیه اشغالگران اسرائیلی متحد می‌نماید.

احزاب ما بر حق ملت فلسطین برای زندگی آرام و بدور از تعرض در لبنان و حق مردم فلسطین در تعیین سرنوشت خود برای استقرار دولت ملی در سرزمین خویش تحت رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین که یگانه نماینده قانونی ملت فلسطین است، تأکید می‌کنند.

احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک (شرق عربی)

تور و وحشیانه کمونیست‌های لبنانی

ر بوده شدند.

این جنایات وحشیانه همزمان با آغاز درگیری‌های شبه نظامیان امل از یک سو و اعضای حزب کمونیست و حزب سوسیالیست ترفیخواه لبنان از سوی دیگر آغاز شد. امل در این مدت دست به یک جنگ تبلیغاتی تمام عیار علیه حزب کمونیست لبنان زده است. سازمان امل حزب کمونیست لبنان را بدین خاطر آماج حملات خود قرار می‌دهد که کمونیست‌های لبنان خواهان لغو نظام فرقه گرابانه در ساختار دولتی لبنان و ایجاد یک حکومت غیرمذهبی هستند.

در شماره گذشته "اکثریت" خبر از ترور رفیق حسین مرعو عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان و نویسنده برجسته لبنانی دادیم. در هفته گذشته خبر رسید که در روز سه شنبه در بندر صیدا واقع در جنوب لبنان، دکتر لیبب عبدالصمد پزشک کمونیست هدف سو' قصد قرار گرفت و جان خود را از دست داد. بدین ترتیب، شمار اعضای حزب کمونیست لبنان که تنها ظرف ۱۰ روز قربانی سو' قصد گردیده‌اند به ۸ تن رسید. در میان این ۸ نفر سه تن پزشک بودند. طی همین ۱۰ روز، ۱۷ کمونیست دیگر

از همه رفقا و دوستانی که با نشریه "اکثریت" مکاتبه می‌کنند تقاضا داریم در هنگام نوشتن نشانی نشریه تنها آنچه را که ما زیر عنوان آدرس آورده‌ایم در پشت پاکت قید کنند و از نوشتن عنوان "اکثریت" و یا هر عنوان دیگری به لاتین مطلقاً خودداری ورزند.



دید نمی‌شود. مردم می‌گویند: اجناس، برای آنها سفارشی می‌رود. در این صفا هیچ کس جرأت نمی‌کند از رژیم حمایت کند. بعداً خواهیم نوشت که چگونه این صفا از مهمترین کانونهای افشای رژیم و طرح بحث‌های سیاسی است.

حقوق مدنی و اجتماعی زنان

حقوق مدنی و اجتماعی زنان بشکل وحشتناکی پایمال می‌گردد و هر روز شاهد صحنه‌های غیباری در این زمینه هستیم. بطور مثال اگر زنی به هر دلیل بشوهرات بگردد و شوهر با آن موافق نباشد مجبور به ادامه زندگی مشترک است. نمونه‌هایی را می‌شناسیم که این جمله معروف از سوی شوهر ادا شده است که "می‌گذارم مواهبت مانند دندانهای سفید شوند و طلاقت نمی‌دهم." و سرگردانی بی‌پایان این زنان ادامه یافته است. قوانین اسلامی در این زمینه تماماً علیه زن است.

در مورد شرکت زنان در فعالیتهای اجتماعی باید بگویم تا کنون عملاً سیاست رژیم اخراج زنان از محیط‌های تولیدی و خدماتی بوده است. هدف اعلام شده جمهوری اسلامی خانه نشین کردن زنان است. بسیاری از مائین‌نویس‌ها، کارمندان دفتری و کارگران زن اخراج شده‌اند. طبیعی است که این روند با اخراج کارگران و کارمندان چپ و مترقی آغاز شد و گسترش یافت. اخیراً در بقیه در صفحه ۱۴

جمهوری اسلامی جهنم واقعی زنان

بناسبت فرارسیدن ۸ مارس روز جهانی زن، در ادامه درج سلسله گزارش‌هایی از داخل کشور این شماره نشریه را به انتشار گزارشی در مورد وضعیت زنان در جمهوری اسلامی اختصاص می‌دهیم:

... در اینجاسی می‌کنیم تنها مواردی را که یا خود شاهد آن بوده‌ام و یا مستقیماً از شاهد آن شنیده‌ام ذکر کنم. بخش اعظم مشکل تهیه ارزاق عمومی بر دوش زنان است. آنان مجبورند برای تهیه نان، نفت، شامپو، بنیر، گوشت، کره و... بدون اغراق در روز بین ۴ تا ۸ ساعت را در صفا بگذرانند و این بر وظایفی که تاکنون زنان در خانواده بر عهده داشتند افزوده است. برای نمونه فقط ذکر یک مثال کافیت. در جلریک پب بنزین که نفت می‌فروخت صفی تشکیل شده بود که حدوداً تا دو کیلومتر ادامه داشت. در تمام طول روز، شب و فردای آن، مردم که اکثر آنان را زنان تشکیل می‌دادند مجبور بودند که در صف بمانند. در طول شب از تعداد زنان کاسته و به تعداد مردان افزوده می‌شد. در مواردی دیده می‌شد که مادران کودکان خود را در صف نفت می‌گذراند تا خود در صف نان حاضر شوند و خانواده گرسنه نماند. باین ترتیب بر اساس تعداد مورد خرید روزانه مایحتاج ضرور مردم، می‌توانید دفعات و میزان در صف ایستادن را تخمین بزنید. در این صفا هیچ آخوند و پاسداری

گالکند عالیشان

مجموعه نشریه سرو و شماره ۲۷ کارگاه هنر ایران

منتشر شد

از ترانه سرو و های این مجموعه:

حماسه تابان

شعله بالنده

جان بی قرار

عطر غنچه‌ها

اتحاد

فروزندگان آتش

لالایی

AKSARIYAT
NO. 148
MONDAY MAR 2.87
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY